

پیشگفتار

زیارت خانه حق، همراه با انجام مناسک ملکوتی و اعمال عاشقانه‌ای که دستور پروردگار مهربان بدرقه آن است و انبیای الهی و امامان معصوم بر بزرگداشت تمام واقعیاتش تأکید داشتند، در کنار دلی مملو از معرفت و خلوص و همّت‌ی عالی و شوقی وافر، از ارکان اسلام و از اصول مسائل الهی و از شعائر عرشی و خلاصه از بزرگترین و با منفعتترین برنامه‌هایی است که انسان مستطیع نسبت به آن مکلف و مسؤول است.

گردهمایی عظیمی که قدرت و توان حلّ مشکلات دنیای اسلام را در همه زمینها دارد.

برنامه بسیار مهمی که می‌تواند صفوف مسلمانان را بهم پیوند داده و از این نیروی عظیم پراکنده، دست واحدی برای جهان اسلام و اسلحه کوبنده‌ای علیه دشمنان دین بوجود بیاورد.

حقیقتی که علائق غلط و روابط بی معنا را از سرزمین قلب ریشه‌کن می‌کند و دل را مبدل به حرم حق و حریم عشق نموده، جان را همچون صورت پاك آئینه صیقل می‌دهد.

واقعیتی که آدمی را از آلودگیهای ظاهری و باطنی میرهاند و نفس اماره را بر گردونه عبادت می‌کشاند، باطن را شستشو داده، توبه و انابه و تضرع و زاری می‌آفریند و انسان را از اسارت عالم خاک نجات داده به عالم پاك می‌رساند.

تشنگان عالم معنا را سیراب، گرسنگان رزق عرشی را سیر و برهنگان از تقوا را لباس تقوا می‌پوشاند.

چشمه خیر و برکت را در مقابل انسان می‌جوشاند و حاجی را در سراپرده رحمت و لطف حضرت مولا می‌نشانند.

برای بیان مسائل ظاهر و باطن حج، آیات فراوانی در کتاب حق آمده و روایات بسیار مهمی در معتبرترین کتب حدیث ضبط شده است. از آنجا که فرصت زائر در زمان حج اندک و ظرفیت قلبی و معنوی بسیاری از مسافران راه عشق، محدود است و کسی را وقت مطالعه و دقت در آن همه آیه و روایت نیست بعثه مقام معظم رهبری، که سنگین‌ترین مسؤولیت را در راه به سامان آوردن این فریضه عظیم الهی و هدایت زائران، به حقایق آسمانی دارد و در این عرصه گاه معنوی، تمام توان و قدرت خود را بکار گرفته تا در سرزمین وحی و محلّ عبادت انبیا و امامان و اولیا، خیمه حج ابراهیمی بپا کند و از این مسیر، هدف بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی - قدس سره - و رهبر بزرگوار مسلمانان جهان و ولیّ امر عالم اسلام حضرت آیه الله خامنه‌ای - مد ظلّه - را جامه عمل بپوشاند و زمینه نیروی پر قدرت انسانی را برای بپا شدن عدل جهانی بدست امام دوازدهم - علیه السلام - فراهم آورد تا از کنار خانه خدا همراه با مؤمنان قوی دل، شعاع هدایت و عدالت را به تمام جهان بگستراند، از این کمترین، خواسته است تا چهل حدیث در رابطه با این حقیقت عرشی و معنوی در جزوه ای فراهم آورم تا مسافران راه حق و فضیلت و مسیر عشق و معرفت بیش از پیش با برنامه‌های باطنی و اخلاقی و عرفانی حج آشنا شده، خالصانه به انجام مناسک بپردازند و با حج

مقبول و سعی مشکور به وطن بازگشته، به اسلام و انقلاب وفادار بمانند و زمینه ظهور ولی عصر
-؟ ارواحنا لثراب مقدمه الفداء - را فراهم کنند.

حدیث

و جوب حج

حجّ بعنوان يك عبادت، بر اهل استطاعت، از جانب مبدأ فیض و رحمت، واجب گشته و فریضه بودن آن
در آیات قرآن مجید اعلام شده و روی گردان از آن، فردی ناسپاس و نمک خورده؟ ای نمکدان شکن به
حساب آمده است.

مولای متقیان، امیر مؤمنان، در پایان خطبه اول نهج البلاغه می فرماید:

«وَقَرَصَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ بِرُدُونِهِ وَرُودِ الْأَنْعَامِ، وَيَأْلَهُونَ إِلَيْهِ وَوَهَّ الْحَمَامِ
وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عِلْمَةً لِنَوَاصِعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ وَإِدْعَائِهِمْ لِعِزَّتِهِ، وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سَمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ
وَصَدَّقُوا كَلِمَتَهُ وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ وَتَشَبَّهُوا بِمَلَائِكَتِهِ الْمُطِيفِينَ بِعَرْشِهِ، يُحْزِرُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنْجَرِ
عِبَادَتِهِ، وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَ مَوْعِدِ مَغْفِرَتِهِ، جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا، وَلِلْعَائِدِينَ حَرَمًا، قَرَصَ حَقَّهُ
وَأَوْجَبَ حَجَّهُ، وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وَقَادَتَهُ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: (وَلِلَّهِ عَلَى

النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي عَنِ الْعَالَمِينَ).»

«پروردگار مهربان زیارت بیت الحرامش را بر شما فریضه قرار داد و آن را قبله؟ گاه مردم نمود. زیارت
کنندگان در آنجا وارد می شوند و برای یافتن بهره معنوی ازدحام می کنند؛ مانند ازدحام چهارپایان
تشنه در کنار چشمه آب! و آمدن به آن مکان مقدس را مشتاقند، همانند اشتیاق کبوتران به طرف
آشیانه خود، آن وجود منزه و پاک آن جایگاه عالی را برای تواضع بندگان در برابر بزرگی و عظمتش، و
تصدیقش به عزت و قدرتش نشانه و علامت قرار داد. از میان مردمان، شنوندگان فرمانش را انتخاب
فرمود. آنان دعوتش را برای زیارت خانه کعبه اجابت کردند و فرمانش را گردن تصدیق نهادند و در جایگاه
پیامبران برای عبادت و بندگی ایستادند و خود را به فرشتگان طواف کننده عرش شبیه نمودند، در تجارت
بندگی سود فراوان بدست آورده، به موقف آمرزش و مغفرتش از هم سبقت می گیرند.

حضرت حق آن خانه را نشانه و علامت اسلام و پناهگاه پناهندگان قرار داد و زیارت آن محل با عظمت را
واجب فرمود و احترام نهادن به کعبه را بر بندگانش لازم دانست و رفتن به آنجا را دستور داد پس در
قرآن مجید فرمود: زیارت بیت الله الحرام حق خداوند بزرگ بر مردم است؛ مردمی که برخوردار از
استطاعتند و هر که این نعمت عظیم الهی را ناسپاسی کند، به حضرت حق زیانی وارد نکند که خدای
تعالی از تمام جهانیان بی نیاز است.»

(۱) ۱ - نهج البلاغه، خطبه اول؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹

بیان حقیقت و واقعیت حج، معنا و مفهوم این مسأله بزرگ، تنها در شأن حضرت حق و انبیا و امامان بزرگوار است.

برای حج، گذشته از معنای لغوی، معنا و مفهوم دیگری است که باید آن معنا را از حریم دانش و بینش و بصیرت برگزیدگان حضرت محبوب جستجو کرد.

بخاطر گستردگی مفهوم حج، عاشقی از عشاق اسرار، به حضرت باقر - علیه السلام - عرضه می‌دارد:

«لِمَ سُمِّيَ الْحَجُّ حَجًّا؟ قَالَ: حَجَّ فُلَانٌ؛ أَيُ أَفْلَحَ فُلَانٌ.»

«برای چه حج خانه حق را حج نامیده‌اند؟ امام - علیه السلام - فرمود: فلانی موفق به انجام حج شد، معنا و مفهومش این است که به فلاح و رستگاری دست یافت.»

(۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۲

راغب اصفهانی، دانشمند بزرگ قرآن شناس، در توضیح لغت فلاح و مشتقات آن، که در قرآن مجید زیاد آمده و در روایات و اخبار همچون روایت بالا به آن اشاره شده، می‌فرماید:

برای فلاح دو مرتبه و دو درجه قابل تصور است: ۱ - مرتبه دنیوی ۲ - مرتبه آخروی

مرحله دنیوی فلاح، دست‌یابی به رشته‌های مختلف خوشبختی است؛ بصورتی که زندگی و حیات دنیای انسان پاک و پاکیزه و غرق لذت و نشاط شود و رشته‌های سعادت و خوشبختی در دنیا عبارت است از: طول عمر با غنا و ثروت حلال، داشتن شخصیت و عزت و احترام.

و فلاح آخروی عبارت است از:

حیات بی مرگ، ثروت و غنای بی فقر، عزت بی ذلت، و دانش و بینش بی جهل، به همین خاطر گفته‌اند: عیشی نیست مگر عیش آخرت!

بر این اساس، حج خانه حق، چنانچه از جانب زائر، همراه با رعایت مسائل فقهی و خلوص نیت انجام گیرد، سه بهره دنیوی و چهار منفعت آخروی نصیب حاجی می‌نماید که حضرت باقر - علیه السلام - از مجموع این واقعیات به عنوان «فلاح» یاد فرموده است: «حَجَّ فُلَانٌ؛ أَيُ أَفْلَحَ فُلَانٌ.»

آثار حج

خداوند مهربان که رحمت و لطفش تمام موجودات هستی را در آغوش گرفته، نتایج و آثار بر زحمات مثبت مردم که به دستور حضرتش و دستور پیامبر و امامان انجام گرفته مترتب نموده است.

حضرت حق، زحمت کوشندگان در راهش را و سعی مجاهدان در طریقش را و رنج تحمل کنندگان عبادات را هرگز ضایع نکند و ضایع نگذارد، که ضایع گذاشتن زحمات سالکان مسلک عشق، از عدل و حکمت و لطف و رحمت دور است. حج عملی است مشقت‌بار. کاری است پر زحمت. عبادتی است توأم با رنج و گرفتاری. سفری است با مخارج سنگین. طاعتی است طاقت‌فرسا. قدمی است همراه با فراق عزیزان، که حضرت حق در عوض چنین سفری شکفت‌انگیز، بهره‌های عجیبی قرار داده که بگوشه‌ای از موج این دریای بی‌ساحل، حضرت سجاد - علیه‌السلام - اشاره می‌فرماید:

قال علی بن الحسین علیه السلام:

«حجوا و اعتمروا تصح أبدانکم و تتسع أرزاقکم و تکفون مؤونات عیالاتکم و قال: الحاج مغفور له و موجب له الجنة و مستأنف له العمل و محفوظ فی أهله و ماله.»

حضرت علی بن الحسین - علیه‌السلام - فرمود:

«حج بجای آورید و اقدام به عمره نمایید، که برای این دو فریضه الهی آثار و منافع است:

بدنهایتان به عرصه‌گاه صحت و سلامت درآید، میدان روزی شما وسیع شود، هزینه و خرج اهل و عیالتان مکفی گردد و همچنین فرمود: زائر بیت الله، مورد آمرزش و مغفرت حق است، بهشت عنبر سرشت بر او واجب است، عمل را از سر گیرد که او را وضعی غیر از وضع تمام گذشته اوست، خانواده و سرمایه مالی‌اش در حفظ خداوند رحیم است.»

حدیث

نواب و بهره معنوی حج

کسی که از قسمتی از مال خود، جهت مخارج زیارت بیت الله، چشم می‌پوشد و جهت آزادی از حقوق دیگران اقدام به طلب حلیت می‌کند و برای نظام دادن به امورش، قبل از سفر حج متحمل زحمت و رنج می‌گردد، و تن به این سفر سرشار از مشقت و سختی می‌دهد و با پای معرفت و قلبی پر از

ذوق و شوق و روحی با صفا و جانی مملو از عشق و محبت و نَفْسِ همراه با اراده و همت و ضمیری معطر به بوی خلوص خود را در این وادی می‌اندازد بدون تردید از جانب حضرت محبوب در معرض ثوابها و بهره‌های عظیم قرار می‌گیرد که بخاطر عدم گنجایش دنیا، تمام آن ثوابها در جهان آخرت تجلی کرده و زائر را به سرسفره رحمت بی‌نهایت دوست می‌نشانند.

پیامبر با عظمت اسلام به مردی که قصد زیارت خانه حق را داشت فرمود:

«فانك جئت تسألني عن حجك و عمرتك و ما لك فيهما من الثواب؟ فاعلم انك اذا أنت توجهت الى سبيل الحج ثم ركبت راحلتك و مضت بك راحلتك لم تضع راحلتك خفاً ولم ترفع خفاً الا كتب الله لك حسنة و محاببتك عنك سيئة. فاذا احرمت و لبيت كتب الله لك بكل تلبية عشر حسنات و محاببتك عنك عشر سيئات.

فاذا طفت بالبيت اسبوعاً كان لك بذلك عند الله عزّ وجلّ عهداً و ذكراً يستحيى منك ربك أن يعذبك بعده فاذا صلّيت عند المقام ركعتين كتب الله لك بهما ألفى ركعة مقبولة.

فاذا سعيت بين الصفا و المروة سبعة أشواط كان لك بذلك عند الله عزّ وجلّ مثل أجر من حج ماشياً من بلاده و مثل أجر من اعتق سبعين رقبة مؤمنة.

فاذا وقفت بعرفات الى غروب الشمس فلو كان عليك من الذنوب قدر رمل عالج و زيد البحر يغفرها الله لك.

فاذا رميت الجمار كتب الله لك بكل حصة عشر حسنات تكتب لك لما تستقبل من عمرك.

فاذا ذبحت هديك أو نحررت بدنتك كتب الله لك بكل قطرة من دمها حسنة فكتب لك لما تستقبل من عمرك.

فاذا طفت بالبيت اسبوعاً للزيارة و صلّيت عند المقام ركعتين، ضرب مَلَكٌ كريم على كتفك ثم قال: اما ما مضى فقد غفر لك فاستأنف العمل فيما بينك و بين عشرين و مائة يوم.»

«ای زائر خانه حق، نزد من آمدی تا از حج و عمره؟ ات و ثوابی که در

(۱) ۱ - بحار، ج ۹۶، ص ۴

این دو عمل است از من بپرسی؟

توجه داشته باش هنگامی که در راه حج قرار گرفتی و بر مرکب خود سوار شدی و آن مرکب به راه افتاد، قدمی حرکت نمی‌کند مگر این که خداوند برای تو حسنه‌ای ثبت می‌کند و سیئه‌ای از پرونده‌ات محو می‌نماید.

و چون احرام بستنی و تلبیه گفتی، خداوند مهربان به هر تلبیه؟ ای ده حسنه برایت ثبت می‌کند، و ده گناه از تو پاک می‌نماید.

و چون هفت مرتبه به طواف برخاستی، بخاطر آن نزد خداوند پیمان و یادی برایت می‌ماند، که بعد از آن، حضرت حق از عذاب تو حیا می‌کند.

و آنگاه که نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز بجای آوردی، ثواب دو رکعت نماز قبول شده برایت ثبت می‌گردد.

به هنگامیکه هفت مرتبه سعی صفا و مروه نمودی ثواب تو نزد حق همانند کسی است که از شهر خود با پای پیاده به حج آمده و مانند اجر کسی است که هفتاد برده مؤمن در راه خداوند آزاد کرده است!

چون تا غروب آفتاب به عرفات وقوف کردی مورد آمرزش حق قرار می‌گیری گرچه گناهانت به اندازه ریگهای متراکم باشد.

و چون رمی جمره نمودی به هر ریگی که می‌زنی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و به اندازه آینده عمرت این ده حسنه بطور مرتب برایت ثبت می‌گردد.

و هنگامی که به ذبح گوسفند یا نحر شتر اقدام نمودی به هر قطره خونی که از آن می‌ریزد، تا پایان عمر پیوسته برای تو ده حسنه نوشته می‌شود.

و چون هفت بار بعنوان طواف زیارت به دور خانه حق بگردی و نزد مقام دو رکعت نماز بجای آوری فرشته؟ ای کریم بر دو شانه؟ ات می‌زند سپس می‌گوید: آنچه بر تو گذشت آمرزیده شد، هم؟ اکنون تا صد و بیست روز عمل را از سر بگیر که گناهی بر تو نیست!»

حدیث

ترك حج يا گناه بزرگ

نعمت؟ های حضرت حق برای هیچ حسابگری قابل شمارش نیست و عنایات و الطافش به احصاء و اندازه‌گیری هیچ قدرتمندی درنیاید.

برخی از نعمت؟ هایش همانند عقل، وجدان، فطرت، سلامت و عافیت، تمکّن و قدرت، چشم و گوش، دست و زبان، شکم و قدم جای؟ گزین ندارد.

عقل بیدار و قلب بینا حکم می‌کند که به ادای حقّ نعمتِ منعم برخیزی و سپاس و شکر نعمت دهنده را بجای آوری.

ادای حق منعم و شکر نعمت حضرت دوست به این نیست که چون از نعمتی همه جانبه استفاده کنی زبان در زمانی کوتاه در دهان بگردانی و آن را مترنّم به ذکر «الحمد لله» کنی! بلکه شکر نعمت و ادای

حق منعم به این است که نعمت را در جایی خرج کنی که صاحب نعمت دستور داده و منعم حقیقی نسبت به آن طرح و نقشه مرحمت فرموده.

نعمت زمانی که به این صورت به خرج گذاشته شود، حق منعم به اندازه قدرت نعمتدار ادا شود و دامن حیات و زندگی انسان از لوٹ گناه و معصیت مصون ماند و فساد و افساد از عرصه‌گاه عیش آدمی خیمه برچیند و دست و پای شیاطین انسی و جَنّی بسته گردد و صورتی از بهشت آخرت در دنیا پدیدار شود.

اگر زمینه خرج نعمت به دست هوای نفس و امیال و غرایز آزاد از حدود الهی و نقشه‌های شیطانی فراهم آید، حالت کفر و ناسپاسی و میدان پایمال شدن حقوق انسانی و جایگاه جولان غارتگران حقایق معنوی، با زشت‌ترین چهره جهنمی آشکار گردد، و محل تاخت و تاز معاصی و گناهان و سوء اخلاق و اعمال پدیدار آید، و از وجود انسان چهره‌ای منغور و لایق غضب و سخط خداوندی ساخته شود.

فرهنگ پاک الهی، بخاطر یافتن عظیم‌ترین منافع دنیوی و آخروی، در مدّت عمر يك بار، زیارت خانه منعم را بر اهل استطاعت؛ یعنی آنان که از نعمت مال و سلامت بدن و امنیت راه، و تمکّن و قدرت و عقل و درک برخوردارند واجب نموده، این کدام بی‌انصاف است که با داشتن انواع نعمت‌های حضرت حق، از امر حق و واجب الهی که در این عصر رفتن و برگشتن و انجام دادن مناسکش بیش از دو هفته وقت لازم ندارد سرپیچی می‌کند؟!

این امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا - علیه‌السلام - درباره چنین کافر و ناسپاسی چه نظری می‌دهد:

«اعلم یرحمک الله أنّ الحج فریضة من فرائض الله جلّ و عزّ، اللازمة

الواجبة من استطاع الیه سبیلاً، و قد وجب فی طول العمر مرّة واحدة و وعد علیها من الثواب الجنّة و العفو من الذنوب و سمّی تارکه کافراً و توعّد علی تارکه بالنار فنعود بالله من النار.»

«ای مکلف به تکلیف حج، خدایت مورد رحمت قرار دهد. به تو هشدار می‌دهم که حج فریضه‌ای از فرائض خداوند جلیل و عزیز است و بر آن که دارای استطاعت می‌باشد واجب است و این وجوب در تمام عمر انسان یکبار است و خداوند بر انجام دهنده آن وعده بهشت و گذشت از گناهان داده است و در قرآن مجید که سند تمام حقایق است روی گردان از این واجب عظیم و فریضه بزرگ را کافر نامیده و به تارک آن وعده آتش فردای قیامت داده، پس ما از آن آتش به حضرت حق پناه می‌بریم!»

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۱۱

حدیث

حج یا سفره گسترده رحمت حق

تصوّر رحمت بی؟ منتهای آن وجود مقدسی که خود را در آیات قرآنش «ارحم الراحمین» خوانده و به این معنا هشدار داده است که سعه رحمتش کلّ موجودات ظاهری و باطنی را در بر گرفته برای هر صاحب عقلی از محالات است.

دریای رحمتش بی ساحل است، و عرصه؟ گاه رافتش بی؟ کران، میدان لطفش جایگاه حیات تمام موجودات است، و برای احدی از جنندگان مُلکی و ملکوتی نسبت به عنایتش از جانب او حرمانی وجود ندارد.

آن کس که رحمتش را محدود بداند کافر است و ناامیدی از محبتش، سیاهی کفر بر صفحه قلب است. وعده رحمت خاصه؟ اش صد در صد عملی است و خُلفی در آن راه ندارد. وعده عذابش گرچه دارای حتمیت باشد، از باب لطفش با حالت توبه و انابه و تضرع و زاری قابل برگرداندن است و این برگرداندن عذاب از ابتدای وعده عذاب در متن

وعده لحاظ شده است.

موجودات زنده هستی، کنار سفره رحمتش آرمیده؟ اند، و هر يك به تناسب وجودشان از نعمت؟ های خوان بی؟ دریغش بهره می؟ برند.

دست هدایتش برای نجات تمام گمراهان از خزی دنیا و عذاب آخرت دراز است و تمام درهای رضوانش به روی مؤمنان و توبه کنندگان باز است.

امید امیدواران را به یأس مبدل نکند و نیاز نیازمندان را چون به مصلحت آنان بداند برآورده نماید. درد دردمندان را شفا بخشد و اضطراب مضطربان را به امنیت تغییر دهد.

دعای اهل دعا را اجابت فرماید، و خواسته خواهندگان را از دریای رحمت بی؟ کرانش عطا کند.

این چنین مولای مهربانی، این چنین پروردگار کریمی، وجود مبارکی که شعاع عدل و حکمت و علم و رافت و رحمت و لطف و؟ عنایتش از شرق وجود تمام موجودات طالع است و بر اثبات صفا و؟ اسمائش برهان و دلیلی لازم نیست، که آفتاب آمد دلیل آفتاب. اگر به عمل اندک بنده؟ اش اجر عظیم و خیر کثیر و مزد بیش از حد عنایت کند و از برکت عمل محدود عبدش به وابستگان به او نیز لطف و رحمت آورد ابدأ جای تعجب و شگفتی نیست، که او اکرم الاکرمین و ارحم الراحمین و رب العالمین و محبّ المحسنین است. در این زمینه به روایت بسیار مهم زیر که نمایشی اندک از رحمت بی؟ نهایت اوست توجه نمایید:

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «ان الله عزّ وجلّ لیغفر للحاج و لاهل بیت الحاج و لعشیره الحاج و لمن یتستغفر له الحاج بقیة ذی؟ الحجّة و المحرّم و صفر و شهر ربیع الاول و عشر من ربیع الآخر.»

از حضرت صادق .؟ علیه؟ السلام.؟ روایت شده که آن حضرت فرمود: «خدای . عزوجل . مغفرتش را متوجه حاجی و زن و فرزند حاجی و قوم و قبیله زائر بیت الله و هر کسی که زائر برای او تقاضای

مغفرت کرده، می‌نماید و این جوشش مغفرت برای تمام آنان در بقیه ماه، حج و تمام محرم و صفر و ربیع الاول و ده روز از ربیع الآخر ادامه دارد.»

(۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۲۱

حدیث

خلوص در حج

ریا و خودنمایی در عمل و انجام برنامه عبادی، برای جلب توجه مردم و جلوه دادن خویش در دیده بینندگان از سنیات اخلاقی و رذائل روحی و باطنی است.

ریا به این معناست که انسان نهالی را در عالم معنا، در سرزمین طاعت و عبادت، با ذوق و شوق بنشانند و برای پرورش آن متحمل زحمت و رنج گردد، تا جایی که نهال به رشد و کمال برسد و به محصول دادن نزدیک گردد، آنگاه انسان ارّه‌ای تیز بردارد و بدست غیر بسپارد و به او التماس و لابه نماید که بیا و با این ارّه این نهال را از ریشه و اصل قطع کن تا من از شیرینی محصول و میوه‌اش محروم گردم!

آری، چه جاهلانه است که انسان فریضه‌ای از فرائض الهی را با زحمت و رنج انجام دهد و بیکره عبادت را بدستور حق بسازد و طاعت و بندگی را همراه با شرایط لازم بیاورد، آنگاه که عمل می‌خواهد به نقطه قبولی حق برسد و سبب قبولی بهشت عنبر سرشت نصیب انسان

گردد، با حالتی منافقانه دنبال تماشای دیگران نسبت به عملش برخیزد تا او را ببینند و از وی و طاعتش تعریف کنند و وی را در انظار دیگران مؤمن و متدین و با حال جلوه دهند.

بدون تردید ریا نوعی شرك و بفرموده امیرالمؤمنین -علیه‌السلام- رسته‌ای از نفاق و به گفته عرفای بیدار دل، خیانت به خویش و بنظر بینایان، تیشه‌ای به ریشه سعادت و کلنگی بر سر ساختمان عبادت و اطاعت است.

توقع اجر و مزد از حضرت حق، نسبت به عملی که آلوده به ریا گشته، توقعی غیر عاقلانه است؛ چراکه ریاکار عبادت را برای جلب رضای غیر بجای آورده، آنگاه اجرش را از خداوندی می‌طلبد که عمل، محض خشنودی او انجام نگرفته و هیچ ارتباطی به حضرتش ندارد.

انجام دهنده واجبات باید بداند که واجب الهی اگر همراه با ریا انجام گیرد، بدون شك عمل باطل است و قضای آن بر عهده او واجب.

عبادت کننده باید به این معنا توجه داشته باشد که کلید بهشت و جهنم فقط و فقط بدست اراده حضرت حق است، و روز قیامت احدی را جز حضرت حق، حق محاسبه پرونده بندگان نیست. اوست که باید عمل را بپذیرد و هم اوست که باید به عمل اجر و مزد مرحمت کند. روی این حساب نباید عمل را با تیشه

ریا ریشه؟ کن کرد و با زهر ریا کام عمل را آلوده نمود و با آتش ریا درخت عمل را سوزاند و با ارّه ریا نهال عبادت را از زمین قبولی حضرت محبوب ارّه کرد.

در روایات مربوط به باب واجبات و اعمال خیر آمده: در روز

قیامت به ریاکاران می‌گویند پرونده عمل خود را نزد مردمی که برای خوش‌آمد آنان کار کردید ببرید و مزد رحمت خود را از آنان دریافت کنید!

رعایت خلوص در واجبات، واجب شرعی است. نیت خالصانه باعث قبولی عمل است، نیت پاک به عمل ارزش معنوی و قیمت آخرتی می‌دهد. نیت صاف مرکبی است که عمل را به وادی رضایت حق می‌برد. خلوص نیت، کلید در رحمت حق و لطف حضرت محبوب و باعث جلب رضای دوست نسبت به عمل است.

حج فریضه؟ ای از فرائض حق است. بر حاجی واجب شرعی است که تمام مناسک حج را با نیت خالص بجای آورد و از جلب توجه مردم نسبت به اعمالش بپرهیزد که ریا در حج مبطل حج و باعث عوارض سنگینی است که گاهی قابل جبران نیست و همانطور که در روایات آمده حج ریایی در قیامت مزدش بر عهده مردمی است که حاجی در مناسک حجش تماشای آنان را منظور داشته و برای نمایاندن خویش به آنان عمل را انجام داده است!

به روایت زیر با دقت قلبی توجه کنید:

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «الحج حجّان حجّ لله و حجّ للناس، فمن حجّ لله كان ثوابه على الله الجنة و من حجّ للناس كان ثوابه على الناس يوم القيامة.»

(^۱) - ۱. بحار، ج ۶۹، ص ۲۴

امام صادق .؟ علیه السلام .؟ فرمود: «حج دو نوع است: حج برای خدا، و حج برای مردم. آن کس که حج را با نیت خالص و برای خدا آورده ثوابش در پیشگاه حق بهشت است و هر کس حج را برای جلب توجه مردم بجای آورده ثواب و اجرش در قیامت به عهده همان مردم است!»

در حقیقت روایت می‌خواهد بگوید حج ریایی در قیامت هیچ گونه بهره‌ای نصیب عمل کننده‌اش نمی‌کند؛ چراکه اجر و ثواب در قیامت در اختیار احدی جز حضرت حق نیست.

انسان گاهی برای امر معاش و اداره امور زندگی به دنبال کاری مشروع می‌رود، ولی موفق به تحقق هدف خود نمی‌گردد، اما اینطور نیست که چون کار مورد نظر انجام نگرفت کار دیگری برای اداره امور زندگی در دسترس نباشد، آنقدر عرصه؟ گاه تلاش و کوشش دارای وسعت است که می‌توان صدها کار دیگر را جایگزین کاری کرد که زمینه انجامش فراهم نشد.

آدمی گاهی می‌بیند زمان عبادتی خاص مانند ماه مبارک رمضان فرا رسیده ولی بخاطر سفر یا مرضی که پیش آمده، از انجام آن عبادت عظیم معذور است و این عذر ممکن است تا پایان عمر برجا بماند، اینطور نیست که نتواند عمل دیگری را بجای روزه ماه رمضان قرار دهد، بلکه خداوند مهربان اطعام مساکین را برای معذور جایگزین نموده و این جایگزینی بهره مطلوب را نصیب روزه؟ دار می‌نماید.

در روایت آمده که فقرای مدینه به رسول خدا عرضه داشتند، ما هم علاقه داشتیم مانند دیگران از ثروت بهره؟ مند بودیم و آن را در راه خداوند انفاق می‌کردیم، و به حل مشکلات مردم کمک می‌نمودیم اما دست ما از مال دنیا کوتاه است و ما در این مورد از رحمت و لطف حق محرومیم. حضرت به آنان فرمودند: ناراحت نباشید، بجای انفاق و صدقه و کمک به دردمندان که مورد علاقه شماست ولی قدرت آن را ندارید، از خداوند یاد کنید و به ذکر حضرت محبوب دل مشغول دارید که همان ثواب انفاق ثروتمندان، نصیب شما می‌شود و یاد خدا در پرونده شما جایگزین مالی خواهد شد که در راه خدا خرج شود.

ولی بعضی از فرائض و واجبات الهی، در صورتی که مکلف قدرت انجام آن را داشته باشد، اگر بخواهد آن را ترك نماید و بجای آن برنامه دیگر را جایگزین کند عملی در اسلام وجود ندارد که جای آنچه را تکلیف انسان است بگیرد و حج از آن نمونه برنامه؟ هاست که اگر مکلف بخواهد آن را ترك کند و پول و خرج و مخارجش را در راه خدا بگذارد، یا عمل دیگری را بجای حج انجام دهد، خلأ حج را در پرونده پُر نمی‌کند و گناه ترك آن در پرونده انسان ثبت است و هیچ ثوابی جای آن را نخواهد گرفت، در این زمینه به روایت زیر توجه نمایید:

عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «لما افاض رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - تلقاه أعرابی فی الأبطح فقال: یا رسول الله إني خرجت أريد الحجّ فعاقني عائق و أنا رجل ملئ كثير المال فمُرني أن أصنع فی مالي ما أبلغ ما بلغ الحاج قال: فالتفت رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - إلی أبي قبيس

فقال: لو أن أبا قبيس لك، زنته ذهبه حمراء أنفقته فی سبيل الله ما بلغت ما بلغ الحاج.»

امام صادق .ع.؟ می‌فرماید: «زمانی که رسول با کرامت اسلام به حج خود پایان داد، عربی در سرزمین مکه با حضرت روبرو شد، و عرضه داشت ای رسول خدا، از منزلم به نیت حج درآمدم، ولی

مانعی بر سر راهم قرار گرفت و مرا از زیارت بیت و مناسک آن مانع شد، در حالی که دستم از ثروت و مکتب پر است، اکنون مرا امر کن که مالم را در برنامه‌ای بریزم که به آنچه حاجیان از ثواب رسیدند، برسم حضرت رو بجانب کوه ابوقبیس کردند و فرمودند: اگر به وزن آن طلای قرمز در راه خدا انفاق کنی به آنچه حاجیان از ثواب رسیدند نمی‌رسی!»

(۱) - ثواب الاعمال، ص ۴۳؛ بحار، ج ۹۶، ص ۲۶

حدیث

دعا برای رسیدن به عرصه‌گاه حج

دعا و درخواست، تضرع و زاری بدرگاه حضرت حق، عبادتی بزرگ و حسنه‌ای عظیم و عملی محبوب خداوند کریم است.

گدایی برای تهیدستی چون انسان، از ذات مقدسی که مستغنی از عالمین است، و باب خزانه ملک و ملکوتش به روی همه موجودات باز است کاری نیکو و راهی به حل مشکلات، و نردبانی برای رسیدن به اهداف عالی، و مسائل الهیه است.

در قرآن مجید امر الهی به دعا صادر شده، و خود حضرت حق ضامن اجابت گشته.

دعا و مناجات، در حقیقت ارتباط عاشقانه عاشق با معشوق حقیقی و پیوند باطنی محب با محبوب ازلی و ابدی است.

حیات قلب، نشاط جسم، نور زندگی، سلامت روان، صفای باطن، دعا و انابه و زاری به درگاه حق است.

دعا سلاح انبیا، کار ملائکه، روش ائمه طاهرین، عمل عارفان، فعل

عاشقان، و سیر والهان حریم مهر و محبت است.

حیات بدون دعا، زندگی منهای اشک و زاری، حیات جمادی است.

نیاز انسان به دعا نیازی مبرم و احتیاجش به گریه و زاری در پیشگاه حق احتیاجی طبیعی است.

گریه بر هر درد بی درمان دواست چشم گریان چشمه فیض خداست

تا نگرید طفل کی نوشد لبن تا نگرید ابر کی روید چمن

تا نگرید طفلك حلوا فروش دیگ بخشایش نمی‌آید بجوش

آن که نسبت به دعا کبر ورزد، آن که احساس نیاز به دعا نکند، آن که خود را محتاج به انابه و تضرع نداند، از گروه مستکبران و به فرموده کتاب حق، مستحق عذاب الهی است.

در مسأله با عظمت حج، گرچه استطاعت شرط شده اما به غیر مستطیع اجازه داده شده برای تحقق استطاعت جهت انجام مناسک حج دعا کند و از حضرت محبوب بخواهد از خزانه غیبش زمینه استطاعت او را فراهم کند تا به انجام این فریضه بزرگ و بدست آوردن ثوابهای بی‌حساب آن موفق شود؛ روایت زیر ناظر به این معناست:

عن عبد الله بن الفضل قال: «قلت لأبي عبد الله -عليه السلام- إنَّ عليَّ ديناً كثيراً و لي عيال و لا أقدر على الحجِّ فعلمني دعاءً أدعو به فقال: قل في دبر كلِّ صلاة مكتوبة:

اللَّهُمَّ صلِّ على محمد و آل محمد و اقض عني دين الدنيا و دين الآخرة. فقلت له: اما دين الدنيا فقد عرفته فما دين الآخرة؟ فقال: دين الآخرة

الحج.»

عبد الله بن فضل می‌گوید: «به حضرت صادق -عليه السلام- عرضه داشتم، قرض زیادی بعهده دارم، عائله‌ام مندم، قدرت بر حج ندارم مرا دعایی بیاموز که از برکت آن دعا توفیق حج پیدا کنم، امام فرمود بدنبال هر نماز واجب بخوان:

اللَّهُمَّ صلِّ على محمد و آل محمد و اقض عني دين الدنيا و دين الآخرة.

«خداوندا! درودت را نثار محمد و آل محمد کن، و دین دنیا و آخرت مرا ادا بنما.»

گفتم: ای فرزند رسول خدا، دین دنیا برایم معلوم و روشن است، دین آخرت چیست؟ فرمود: دین آخرت حج است.

ملاحظه کنید حجّ خانه حق در چه درجه‌ای از اعتبار و اهمیت است که امام صادق به راوی نفرمود، با کثرت قرض و عیالواری تو را به مسأله حج چکار است، اکنون که مستطیع نیستی چه طمع می‌کنی به مناسک حج داری، بلکه با عشق محبت برای تحقق استطاعت دعا تعلیم او فرمود، تا از این سفره پر نعمت حق و از این مانده معنوی بهره‌کننده عاید او گردد!

حج یا ضیافت خاص حق

بهنه هستی، خوان نعمت حق است و عرصه‌گاه وجود، سفره رزق و روزی خداوند کریم و تمام موجودات. عالم بر سر این مائده نامحدود مهمان وجود مقدس حضرت ارحم الراحمینند.

ولی باید بدانیم که مجموع این نعمتها نعمت مادی و روزی ظاهری و رزق طبیعی خدا است که تمام موجودات زنده، به لحاظ داشتن جسم مادی، بطور مشترک بر سر این خوان نعمت دوست، مهمانند.

ولی حضرت حق را سفره دیگری است بعنوان نعمت باطنی یا معنوی، که در قرآن مجید بطور مکرر به این سفره اشاره شده است و این سفره خاص انسان است، آنهم انسانی که از ایمان به خدا و روز قیامت برخوردار است و در حدّ خود، عامل به احکام شریعت و سالک سلك حقیقت است؛ چرا که انسان منهای ایمان به خدا و روز قیامت و عاری از اعمال صالح و اخلاق پسندیده، جزو حیوانات است و نصیبی جز از سفره مادی حضرت محبوب ندارد.

مهمان سفره معنوی مهمان خاص خداست، و از ارزش بالایی برخوردار است.

در این ضیافت از عقل و قلب و روح و باطن انسان با رزق معنوی پذیرایی می‌کنند، و حیات عمومی آدمی را تبدیل به حیات طیب می‌نمایند و این مزد دنیایی انسان در مقابل فرمانبری و طاعت او از حضرت حق است. اما در ضیافت آخرت، پذیرایی از مهمان ابدی و همیشگی و جاوید و سرمدی است، لذات معنوی بر سر سفره قیامت لذّاتی است که جز حضرت حق کسی از آن خبر ندارد، حتی مهمان تا قبل از بهره بردن از نعمتهای آن مائده، از درک و فهم آن عاجز است. به دورنمایی از این ضیافت معنوی در روایت زیر توجه نمایید:

محمد بن الحسن الهمدانی قال: «سألت ذا النون البصری قلت: یا ابا الفیض لم صیر الموقف بالمشعر و لم یصر بالحرم؟ قال: حدّثنی من سأل الصادق - علیه السلام - ذلك فقال: لأنّ الكعبة بیت الله الحرام و حجابہ و المشعر بابہ فلما ان قصده الزائرون وقفهم بالباب حتی أذن لهم بالدخول، ثمّ وقفهم بالحجاب الثانی وهو مزدلفة فلما نظر إلى طول تصرّعهم أمرهم بتقريب قربانهم فلما قربوا قربانهم و قضاوا تغنّهم و تطهّروا من الذنوب التي كانت لهم حجاباً دونه، أمرهم بالزيارة علی طهارة.

قال: فقلت: لم کره الصّيام فی أيام التشريق؟ فقال: لأنّ القوم زوّار الله و هم فی ضیافته، و لا ینبغی للضيف أن یصوم عند من زاره و أضافه!

قلت: فالرجل یتعلق بأستار الكعبة ما یعنی بذلك؟ قال: ممّثل ذلك ممّثل الرجل یكون بینہ و بین الرجل جنایة فیتعلّق بثوبه یتخذی له رجاء أن یهب له جرمه.»

محمد بن حسن همدانی می‌گوید: «از ذالنون بصری پرسیدم: ای ابوفیض چرا موقوف زائر را مشعر قرار دادند و این معنا مربوط به حرم نشد؟

در پاسخ گفت: کسی که این مسأله را از حضرت صادق (ع) پرسیده بود به من گفت: برای این که کعبه خانه خدا و حریم حجاب اوست، و مشعر باب آن حرم است، چون زائران قصد حرم حق کنند، آنان را کنار باب حرم متوقف می‌کنند، تا برای آنان اجازه ورود صادر گردد، سپس زائر را در حجاب دوم که سرزمین منا است وقوف می‌دهند، چون به تضرع و زاری طولانی آنان بنگرد، امر به قربانی می‌دهد، وقتی قربانی خود را به محضرش تقدیم کردند و اعمال منا را به پایان بردند و از گناهان خود که حجاب بین آنان و حضرت محبوب است پاک شدند، به آنان بر اساس آن طهارت معنوی، امر به زیارت می‌کند.

به حضرت عرضه داشتم چرا در ایام تشریق روزه گرفتن کراهت دارد، فرمود: برای این که حاجیان زائران خدا و در ضیافت و مهمانی حضرت اویند، سزاوار نیست که مهمان در محضر مهمان‌دار روزه باشد.

گفتم: حاجی پرده خانه را می‌گیرد، منظور از این برنامه چیست؟

(۱) ۱ - بحار، ج ۹۶، ص ۲۴

فرمود: مثل کسی که پرده را می‌گیرد، همچون کسی است که بین او و انسان دیگری جنایتی واقع شده باشد از باب فروتنی دامن طرف خود را می‌گیرد، به امید آن که طرف مقابل از جنایتش بگذرد، گرفتن پرده کعبه به این معناست که: الهی از معاصی و گناهان من گذشت فرما و مرا مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده.

حدیث

حجّ یا منبع عظیم منافع مادی و معنوی انسان از برکت نیروی با عظمت عقل، و اراده و اختیار و قدرت و طاقت، موجودی است مکلف و مسؤول. این خلیفه خدا در روی زمین، نسبت به هر واقعیتی که با آن در ارتباط می‌باشد مسؤول است.

نسبت به خود مسؤول سلامت جسم و جان و حفظ خویش از خطرات، و مسؤول تحقق رشد و کمال و خیر و سعادت، و آبادی دنیا و آخرت است.

در تحقق اهداف حق، و اطاعت از دستورات پروردگار و خودداری از محرّمات که محصولی جز زیان و خسارت ابدی ندارد مسؤول است.

نسبت به پدر و مادر، زن و فرزند، اقوام نزدیک و دور، و همه انسانهایی که با آنان مربوط است دارای مسؤولیت است.

این مسؤولیت‌ها از جانب خداوند کریم، رحیم، ودود، غفور، رزاق، رحمان، قدوس، مهیمن، عزیز، حکیم و حلیم به او واگذار شده،

که این واگذاری مسؤولیت از جانب حضرت حق به انسان، عین لطف و رحمت حضرت اوست. آنان که به این معنا واقفند و برای آنان این حقیقت شیرین روشن است، با تمام وجود عاشق تکالیف و وظائف خود هستند.

اهل معرفت جان خود را در راه انجام وظائف و تکالیف، نثار حضرت محبوب کردند و تحمل همه گونه رنج و مشقت را در مسیر ادای تکالیف بر دوش جان هموار نمودند.

آنها به این واقعیت بصیرت داشتند که هر مسؤولیت و تکلیفی، کارخانه تولید منافع دنیایی و آخرتی است و رضای حق و بهشت عنبر سرشت و حیات طیبه میوه شیرین شجره طیبه مسؤولیت است و اگر کسی بخواهد به حیات طیبه در دنیا و خشنودی حق و بهشت ابد در آخرت برسد، راهی جز ادای تکلیف و پیاده کردن مسؤولیت؟ها ندارد.

حج مسؤولیتی است عظیم که از جانب حضرت حق، از باب لطف و رحمت به انسان واگذار شده، انجام این عبادت بزرگ همراه با نیت پاک، و قلبی خالص تولید کننده بهره‌های بسیار مهم دنیایی و آخرتی است که روایت زیر نشانگر گوشه‌ای از آن منافع سرشار، و محصولات بی‌شمار است.

عن الرضا - علیه السلام -: «عَلَّةُ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَطَلْبُ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ، وَ لِيَكُونَ تَائِبًا مِمَّا مَضَى، مُسْتَأْنَفًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ، وَ مَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ، وَ تَعْبِ الْأَبْدَانِ، وَ حَظَرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ، وَ التَّقَرُّبِ فِي الْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -

و الخضوع و الاستكانة و الذلّ، شاخصاً في الحرّ و البرد، و الأمن و الخوف، ثابتاً في ذلك دائماً، و ما في ذلك لجميع الخلق من المنافع و الرغبة و الرهبة إلى الله - عزّ وجلّ - و منه ترك قساوة القلب و حساسة الأنفيس و نسيان الذكر و انقطاع الرجاء و الأمل، و تجديد الحقوق و حظر الأنفيس عن الفساد و منفعة من في المشرق و المغرب و من في البرّ و البحر و ممّن يحجّ و ممن لا يحجّ من تاجر و جالب و بايع و مشتر و كاتب و مسكين و قضاء حوائج أهل الأطراف و المواضع الممكن لهم الاجتماع فيها، كذلك ليشهدوا منافع لهم.

و علة فرض الحج مرة واحدة لأنّ الله - عزّ وجلّ - وضع الفرائض على أدنى القوم قوّة، فمن تلك الفرائض الحج المفروض واحد، ثمّ رغب أهل القوّة على قدر طاقتهم.»

از حضرت رضا - علیه السلام - روایت شده: «آنچه موجب و جوب حج گشته امور زیر است:

سفر معنوی و پرواز ملکوتی و حرکتی؟ عرشى به سوى خداى - عزوجل - و درخواست اضافه شدن نعمت؟ های مادی و باطنی از جانب حضرت محبوب و پاک شدن از تمام گناهانی که قبل از حج در تمام دوران عمر دامن پاک حیات را آلوده کرده است، و برای قرار گرفتن در مدار توبه از آنچه که در گذشته از زمان، بر انسان گذشته و از سر گرفتن اعمال برای آینده بمانند کسی که تازه قدم در عرصه تکالیف گذاشته و چیزی بر او نیست.

در این مسؤولیت سنگین و با برکت خرج کردن مال و منال در راه

۱^(۱) - عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۰؛ بحار، ج ۹۶، ص ۲۲

خدا و مشقت و رنج بدنی و باز داشتن نفس از شهوات و لذات حرام و افتادن در حوزه عاشقانه قرب بحق از طریق عبادت و بندگی به چشم می‌خورد.

حج باعث طلوع صفت نورانی خضوع و استکانت و ذلت از مشرق وجود عبد، در افق حریم مقدس حضرت ربّ الأرباب است.

حج سیر و سفر و تحرك و حرکت در گرما و سرما و بهنگام امنیت و ترس و ثابت قدمی و استقامت دائمی در امور الهی و معنوی است، که این امور علت جلب رحمت واسعه حق، و لطف و مرحمت حضرت مولاست.

در این سفر منافع بسیاری برای مردم است و در این عرصه؟ گاه حق و؟ حقیقت شوق به لغای دوست و ترس از عظمت و جلال او، قلب را تسخیر می‌کند.

در برخوردهای مردم با یکدیگر در این سفر معنوی، و ظهور حال و؟ قال ملکوتی و نشست و برخاست با پاکان، که معاشرت با آنان از برکات این سفر است، يك سلسله از دردهای درونی و بیماریهای باطنی به نقطه شفا می‌رسد از جمله: قساوت قلب، پستی نفس، غفلت از حق، خاموش شدن آتش آمال و آرزوهای بیجا.

در این سفر زائر بیت موفق به تجدید حقوق، و وادار کردن نفس به تقوای الهی می‌گردد، و زمینه خیر دنیا و آخرت خود را از طریق حفظ نفس از فساد و افساد فراهم می‌نماید.

این سفر منبع خیر و برکت برای اهل مشرق و مغرب، و اهل آب و؟ خشکی است، و نیز برای آن که حج بجا می‌آورد و آن که در این

مسیر نیست از تاجر فراهم کننده جنس، و فروشنده و خریدار و؟ نویسنده و از کار افتاده و خلاصه برنامه؟ ای عجیب، و مسأله؟ ای عظیم و عبادتی بزرگ است که هر کسی از اهل زمین، بصورتی از منافع آن بهره‌مند می‌شود!

برنامه حج قضا کننده حوائج مردم اطراف آن سرزمین و مواضعی است که اجتماع برای اهل آن ممکن است تا شاهد بهره‌های آن برای خود باشند.

واجبات الهی بر اهل قدرت و استطاعت فرض است. مردمان را گاهی در تمام عمر يك بار برای سفر حج قدرت و قوت حاصل می‌شود، به این خاطر در تمام دوره عمر يك بار واجب شده، ولی اهل طاقت و قدرت ترغیب و تشویق شده‌اند که نسبت به حج به اندازه توان و قوت خود اقدام نمایند.»

حجّ انجام داده را از آفات حفظ کنید

تصور گروهی از مردم که از آیات قرآن مجید و کلمات گهربار اهل بیت و انبیا و اولیا خبر ندارند، بر این است که آنچه از عمل صالح و اخلاق پسندیده و کار خیر و امور برّ از انسان صادر شده دوام و بقای آن ابدی و همیشگی است، و هیچ عاملی قدرت از بین بردن آن را ندارد و روز قیامت در پرونده انسان لحاظ می‌گردد، و به مقتضای آن، اجر و مزد داده می‌شود در حالی که این تصور و خیال ریشه شرعی و عقلی ندارد، بلکه آیات و روایات دلالت بر این معنا دارد که اگر انسان تا لحظه خروج از دنیا، تقوا و پاکی و خویشتنداری از گناه و خودداری از معاصی را حفظ نکند، دچار حبط عمل و به باد رفتن خوبیها و منهدم شدن ساختمان ایمان و عمل صالح و اخلاق حسنه می‌شود.

در بسیاری از روایات آمده که رسول خدا بطور دائم نسبت به حوادث بعد از خودشان اعلام ترس و وحشت می‌فرمودند، وحشت از این که در طوفان حادثهها ایمان مردم از دست برود و بناک اعمال صالح آنان ویران گردد.

رسول خدا نسبت به مردم بعد از خود و مسلمانان آینده، تعبیر به «مارقین»، «قاسطین» و «ناکثین» داشتند، آنان که از عرصهگاه ایمان چون تیر از کمان بدر روند و گروهی که پای از جاده حق بیرون نهند و جمعیتی که عهد و پیمان الهی خود را بشکنند و دین به دنیا معامله کنند.

رسول حق در روایت مفصّلی از مردم آخر زمان خبر می‌دهند که نماز را ترك نمایند و پیرو یهود و نصاری شوند و به قبول فرهنگ کفر و شرك و نفاق تن دهند، و غرق در شهوات و لذات حرام گردند، و جز سفره حرام در منازل نیندازند و زنان و دخترانشان از حجاب عاری شوند و خلاصه ایمان و عمل صالح را در بازند و دچار بیدینی و فساد گردند.

بنا به آیات قرآن و روایات و تاریخ، چه بسیار مردم مؤمن و مؤدب به آداب حق بودند که بخاطر مال دنیا و جاه و مقام ظاهری و شهوات و لذات زودگذر، از دایره حق بیرون رفته و با شیطان همدست شده و بناک شخصیت خود را ویران نموده و خویشتن را مستحق عذاب ابد کرده‌اند.

در آثار اسلامی آمده است که قارون به مدت بیست و پنج سال معلّم تورات و استاد احکام الهی و مدرس مسائل دینی بوده و با موسی بن عمران هماهنگی داشته، ولی مغرور ثروت مادی شد و عاری از حق و حقیقت گشت و دین به دنیا فروخت، و عاقبت دچار زمین گرفتگی و عذاب الهی شد.

بنابر این، ایمان و عمل صالح در معرض انواع خطرات و آفات است و بر مؤمن واجب و لازم است بناک دین و ساختمان عمل صالح را با قدرت و تقوا و یاد خدا و توجه به قیامت و صبر و استقامت و مداوم طاعت و عبادت و کمک‌گیری از حضرت حق و توسل به پاکان حفظ نماید و سعی کند آنچه برای آخرت خود ذخیره نموده، از دستبرد شیاطین و غارت غارتگران محفوظ بماند.

روایت مهم زیر، که به وسیله امیر المؤمنین - علیه السلام - از قول رسول خدا نقل شده، به همین حقیقت توجه داده و حاجی و زائر بیت الله را نسبت به این معنا هشدار می‌دهد:

«إنَّه نظر الی قطار جمال للحجيج فقال: لا ترفع خفّاً الا کُتبت لهم حسنة، و لا تضع خفّاً الا محيت عنهم سيئة و اذا قضاوا مناسکهم قيل لهم بنيتم بناءً فلا تهدموه، و کفیتم ما مضى فاحسنوا فيما تستقبلون.»

«رسول الهی به قطاری از شتران که حاجیان را برای زیارت خانه خدا می‌برد، نظر فرمودند و گفتند: قدمی بر نمی‌دارند مگر این که برای آنان حسنه‌ای ثبت و گناهی محو می‌شود، چون از مناسک فارغ شدند و ادای مسؤولیت را به پایان بردند به آنان اعلام شود، بنایی را بنا کردید، آن را خراب نکنید، و آنچه بر شما گذشت شما را کفایت کرد، برای آینده خود به نیکی کردن و انجام عمل صالح و طاعت و عبادت برخیزید.»

(۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۵۰؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۴

حدیث

زیارت کعبه معظّمه

کعبه، بنا به فرموده قرآن مجید، اولین خانه‌ای است که برای مردم بنا شده و هدایتگر عالمیان است.

طرح و نقشه کعبه، به اراده حق، توسط امین وحی به اولین سفیر خداوند ارائه شد و بنای آن برای عبادت و به عنوان جهت به سوی معبود یکتا برپا گشت.

کعبه پس از طوفان نوح، بوسیله پیامبر اولوالعزم خداوند، حضرت ابراهیم، و یاری فرزند با کرامتش حضرت اسماعیل بازسازی و از آن پس محل مناسک عظیم حج و جایگاه راز و نیاز و توبه و انابه و نماز و طاعت و طواف و زیارت و سرزمین وحی و کرامت و موضع نزول ملائکه رحمت و موقوف انبیا و اولیا شد.

صفا و مروه، که از شعائر الهی است و حجرالاسود که جهتی است برای بیت مؤمنان با حق و مقام ابراهیم که محل عبادت خاص است و سرزمین پاک و با برکت عرفات که نقطه رسیدن عید به مغفرت

و رحمت قطعی خداوند است و مشعرالحرام که جایگاه یاد خدا و مرکز استغفار و مناجات است و سرزمین عجیب منا که محل رمی جمرات و طرد شیاطین جنّی و انسی و جای قربانی به نشانه قربان کردن وجود خویش در حریم حضرت مولاست، همه و همه شعاع این خانه و وابسته به این بیت و از شوون زیارت کعبه مشرفه و حرم حضرت محبوب است.

ساکنی برای این بیت جز معنویت و صاحبی برای این خانه غیر از حضرت حیّ و قیوم نیست. خانه‌ای است که قبل از خلقت مخلوق مورد نظر بوده و پهنه زمین از محل این خانه به ظهور رسیده است.

این جایگاه با عظمت در ظاهر و باطن برای انسان دارای امنیت است و هر کس در این محل به هر نوعی به کسی ستم روا دارد، به عذاب الیم آخرت دچار خواهد شد.

کعبه بنا به فرموده امام ششم در هر روز محل طواف هفتاد هزار مَلَك خداوند است.

طواف هفتاد هزار فرشته در هر روز، نشانه عظمت بیت در نزد قدسیان و پرده نشینان حریم حرم حضرت مولاست.

بقعه؟ ای در روی زمین محبوبتر از کعبه نزد خداوند نیست، جایگاهی با کرامت؟ تر از آن در پیشگاه حضرت حق وجود ندارد.

برای زائر این بیت، ثوابها و حسناتی مقرر شده که برای زائر هیچ زیارتگاهی مقرر نگشته است!

اما این همه، تا زمانی است که پیشوا و امام زائر، در تمام برنامه‌های

زندگی، امام تعیین شده از جانب حق باشد و بویی از شرک در وجود زائر به مشام ملك و ملکوت نرسد.

امام صادق - علیه السلام؟ - فرمود: «کسی که به زیارت کعبه بیاید و بر حق و حرمت ما، هم چون حق و حرمت کعبه عارف باشد، از مکه خارج نمی‌شود مگر این که گناهایش مورد غفران قرار گیرد، و خداوند مهم از امر دنیا و آخرتش را کفایت می‌کند.»

کعبه خانه خداوند است. محلّ نزول فرشتگان و مطاف عرشیان و قدوسیان است. جایگاه نزول رحمت خاص حضرت معبود است. موقف استجاب دعا است، مرکز عبادت و راز و نیاز و توبه و انابه و موضع برآورده شدن حاجت حاجتمندان و نیاز نیازمندان و شفای درد دردمندان و رفع مسکنت مستمندان و جای عبادت عاشقان و محلّ مستی عارفان و شور شوریدگان است.

آن که مأموم امام هدایت و قلبش منور به نور توحید، روش و راهش سنت پیامبر، کتابش قرآن، و بحق و حقیقت شیعه اهل بیت و شیفته امامان معصوم و عاشق حضرت معبود است، چون وارد مسجدالحرام شود و گوشه‌ای بنشیند و جز نظر دوختن به کعبه کاری نکند، نظرش به کعبه بعنوان عبادت حق قلمداد شود؛ عبادتی که حوزه جاذبه رحمت خاصّه الهی است. حال ببینید انجام سایر عبادات و مناسک که طبیعتاً همراه با نظر به کعبه انجام می‌گیرد، چه عبادت پر

(۱) - محاسن برقی، ص ۶۹

بهره و چه برنامه با منفعتی است.

به حدیث زیر در این زمینه توجه نمایید:

عن ابی ذر عن النبی - صلی الله علیه و آله - قال: النظر الی علی بن أبی طالب - علیه السلام - عبادة و النظر الی الوالدین برأفة و رحمة عبادة و النظر فی الصحیفة - یعنی صحیفة القرآن - عبادة و النظر الی الكعبة عبادة.»

ابوذر از رسول خدا روایت می‌کند: «دیده دوختن به علی بن ابیطالب، نگاه به پدر و مادر به مهر و رحمت، نظر بر صفحه کتاب خدا و چشم انداختن به کعبه، عبادت است.»

چه حدیث عجیبی است که کعبه و قرآن و امام تعیین شده از جانب حق را در عرض هم آورده، که مناسبک را از قرآن بگیرید، و توضیحش را از امام معصوم بخواهید، آنگاه به دلجویی پدر و مادر برخیزید، سپس به زیارت کعبه حرکت کنید تا به بهره‌های عظیم این زیارت دست یابید.

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۶۰؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۰

حدیث

ختم قرآن در مکه

ابتدای نزول قرآن مجید بر قلب عرشی رسول اسلام - صلی الله علیه و آله - در شهر مکه، در کنار غار حرا به صبح بیست و هفتم ماه رجب بود.

در آن صبح روشن، از هر طرف، هفتاد هزار فرشته به ریاست امین وحی، عبد صالح الهی را در آغوش لطف و رأفت گرفتند و آیات شریف سوره علق را بر حضرت قرائت کردند:

«بخوان بنام پروردگارت، آن وجود مقدسی که مالک و مرّبی است و به اراده حکیمانه‌اش تمام موجودات را بدون این که به آنان نیاز داشته باشد آفرید.

آن خدایی که انسان را از علق بوجود آورد، بخوان و آن مرّبی و مالکی را که گرامی‌تر و بزرگوارتر از همه کریمان است. وجود مبارکی که انسان را دانش نوشتن به‌مراه قلم آموخت و به انسان آنچه را نمی‌دانست تعلیم فرمود.»

قرآن برای هدایت بشر از ضلالت و گمراهی آمد و برای نشان دادن صراط مستقیم حق، بر قلب سفیر حق نازل شد.

قرآن برای رشد اندیشه و ایجاد تفکر صحیح و تجلی دادن ایمان به خداوند و روز قیامت در قلب و تعلیم دادن راه عمل صالح و آراستن انسان به اخلاق حسنه نازل گشت.

قرآن برای ساختن دنیایی آباد و آخرتی با بنیاد و ایجاد حیات طیبه و عیش راضیه و فضایی پاک در زندگی بشر بر سینه رسول مطهر تجلی کرد.

آنچه مربوط به گذشته عالم و آینده جهان و نیز داروهای شفابخش بیماریهای معنوی و قواعد نظم دهنده به حیات انسانی است، در قرآن مجید یافت می‌شود.

کتاب خدا و وعظ الهی به انسان و شفابخش سینه‌های دردمند و هدایتگر بشر و رساننده بنی آدم به رحمت و اسعه الهی است.

پیوند با قرآن، پیوند با حق، پیوند با انبیا، پیوند با اولیا، پیوند با ولایت و پیوند با قیامت است.

قرائت قرآن قلب را جلا می‌بخشد، سینه را صفا می‌دهد، بار تحمیلات شیطانی را سبک می‌نماید، راه را به انسان نشان می‌دهد. نفس را به عرصه‌گاه سلامت می‌برد. مشکلات را آسان می‌کند. خانه را مورد توجه ملکوت و پرده‌نشینان حرم قدس می‌نماید و از انسان موجودی مستقیم، سالم، مؤمن، همراه با رأفت و رحمت می‌سازد.

قرآن ذکر است و هر کس از این ذکر روی برتابد، شیطان قرین

و؟همنشین او گردد و چون این روی گردانی ادامه یابد، چیرگی شیطان بر غافل از ذکر، حتمی شود و در نهایت رخ برتافته از کتاب الهی جزء حزب شیطان گردد!

برای قرآن مجید سه نوع قرائت هست که قاری قرآن با تحقق این سه نوع در طول یکدیگر اهل قرآن می‌شود و گرنه به قول رسول حق: «چه بسا قاریانی که قرآن می‌خوانند و قرآن مجید آنها را لعنت می‌کند.» و این سه نوع عبارتند از:

۱ - قرائت قولی ۲ - قرائت حالی ۳ - قرائت فعلی

قرائت قولی؛ خواندن آیات قرآن مجید با زبان است.

قرائت حالی؛ رعایت توجه قلبی به قرآن و اخلاص و خلوص و از همه مهمتر تصدیق قطعی و یقینی تمام مفاهیم کتاب الهی است، بطوری که هیچ شك و تردیدی در کنار آن تصدیق و یقین راه پیدا نکند.

و قرائت فعلی؛ به این است که چشم و گوش و زبان و دست و شکم و؟شهوت و قدم در تمام شؤون زندگی، هماهنگ با قرآن عمل کنند.

قاری اگر این سه نوع قرائت را تحقق دهد اهل قرآن و بنده مخصوص خداوند است، ورنه قرائتش قرائتی بی‌فایده و خواندنش خواندنی بی‌ثمر است.

قرائت قاری باید فریادی علیه ستمگران، صیحه؟ ای علیه شیاطین، اسلحه؟ ای علیه هوای نفس، نوری در حیات، اخلاقی در نفس، اخلاصی در باطن، عملی در ظاهر، حرکتی در سبیل و راه و صراط حق، تفکری در آیات الهی و زمینه؟ ای برای خودسازی و رشد و تکامل باشد.

زائر بیت الله از جانب رسول حق و ائمه طاهرين - عليهم السلام - دعوت شده که در سفر حج گرچه برای يك بار در مکه و اگر بتواند در مسجدالحرام از ابتدا تا انتهای قرآن کریم را قرائت کند و به تعبیر روایات يك ختم قرآن بجای آورد.

اگر زائر بیت حق، به صورتی که در سطور گذشته، آمد يك ختم قرآن کند به بهره؟ های شگفت؟ انگیزی دست یابد که به قسمتی از آن بهره؟ ها و منافع، در حدیث زیر اشاره شده:

عن ابی جعفر - علیه السلام - قال: «من ختم القرآن بمكة لم يمتهن حتى يرى رسول الله - صلى الله عليه و آله - و يرى منزله من الجنة.»

حضرت باقرالعلوم - ع؟ - فرمود: «کسی که در مکه به ختم قرآن موفق شود نمیرد مگر این که رسول خدا - صلی الله علیه و آله؟ - را زیارت کند و جایگاهش را در بهشت ببیند.»

(^۱) - ۱ - بحار، ج ۹۶، ص ۸۲

حدیث

دو عبادت برتر

از نعمت؟ های بزرگ حضرت حق به انسان زبان است.

زبان واسطه بین باطن و ظاهر آدمی است؛ به این معنا که تمام انسانها مکنون ضمیر خود را بوسیله زبان اظهار می؟ کنند و خواسته؟ های باطن را با زبان بیان می؟ نمایند. زبان شهادت دهنده به توحید و رسالت و؟ امامت است.

زبان شهادت دهنده در دادگاه عدل به نفع صاحب حق است.

نماز و قرآن و دعا و مناجات و راز و نیاز به وقت سحر با زبان انجام می؟ گیرد.

امر به معروف، نهی از منکر، هدایت گمراه، ارشاد از حق دور شده، اصلاح ذات البین، اعلام محبت و رحمت ب دیگران، همه و همه کار زبان است.

قول حق، قول صدق، قول عدل، قول حسن، قول بر حسن، قول کریم، قول لین، قول ایمان، قول سدید، قول معروف و قول بلیغ، از محسنات زبان و از آثار این نعمت بزرگ الهی است.

شکر قولی و حمد زبانی در کنار هر نعمت کار زبان، و عمل این عضو عرصه؟ گاه حیات فوق؟ العاده مهم است.

نشر علم، بیان حق، ذکر محبوب، اثبات حقیقت، ردّ باطل، انتقاد سازنده، از شؤون زبان است.

غیبت، که بقول قرآن در سوره حجرات بمانند خوردن گوشت میت است، آنهم میتی که برادر ایمانی انسان است و بقول حضرت سید الشهداء - علیه السلام - غذای سگان جهنم است، از زشتی‌ها و اعمال ناروای زبان می‌باشد.

تهمت، فحش، بدگویی، مسخره؟ کردن، شایعه انداختن، تحقیر کردن مردم، تکذیب حق، تصدیق باطل، بیهوده؟ گویی، یاوه؟ بافی، گمراه کردن مردم مؤمن، همه و همه کار زبان است.

بحقیقت باید گفت: زبان دری از درهای بهشت، یا بابی از ابواب عذاب ابد و جهنم سوزان است.

با زبان می‌توان خشنودی حضرت حق، یا سخط و غضب آن وجود مقدس را خرید.

زائر بیت الله از ابتدای سفر، باید به پرهیز از هر نوع سخن باطل اقدام و خود را به گفتار حق عادت دهد، و در این مسیر الهی آنچه بکوشد که چون به وطن برگشت غیر حق نگوید، و غیر حق نجوید.

در بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۶ از رسول اسلام نقل شده: «زبان را جز به سخن خیر بکار نگیر.»

در روایات بسیاری آمده که «صَمْتُ» را همه جا و همیشه رعایت کنید.

صمت؛ چنانکه در آثار اسلامی آمده، به معنای سکوت زبان از سخنان باطل و یاوه و خودداری از تمام گناهان مربوط به زبان است.

صمت از نظر رسول بزرگوار اسلام از چنان ارزشی برخوردار است که به نقل فیض کاشانی در محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۹۴ از قول حضرت آمده:

«من کان يؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیراً أو لیصمت.»

«آن که ایمان به خدا و قیامت دارد، باید خیر بگوید یا سکوت کند.»

آری سکوت از سخنان ناروا، بدون شك باب نجات، روشنی بخش جان، حیات قلب، نشاط باطن، و نور دل است.

از بهترین مواقع تمرین برای تحقق صمت سفر حج است، چه نیکوست که زائر بیت وقتی سوار بر مرکب است، زبان به ذکر حق مشغول کند و چون در مسافرخانه همراه با همسفران است، حق گویی کند و چون به زیارت بیت یا زیارت رسول حق یا ائمه بقیع می‌رود، مشغول زیارت و دعا و حمد و ثنای حق، و بخصوص راز و نیاز با معبود باشد.

در حقیقت در این سفر می‌توان دو عبادت برتر به ثبت پرونده خود رساند: حرکت برای زیارت بیت و صمت، در این زمینه به روایت بسیار مهمی که از اهل بیت رسول مکرم حق رسیده توجه کنید:

عن ابی عبد الله - علیه‌السلام - قال: «ما عبد الله بشيء أفضل من الصمت و المشی الی بیته.»

از امام صادق - علیه‌السلام - روایت شده که آن حضرت فرمود: «خداوند به چیزی بهتر و برتر از سکوت و رفتن به سوی کعبه، عبادت نشده است!»

(۱) - خصال، ج ۱، ص ۲۱؛ بحار، ج ۹۶، ص ۱۰۳

حدیث

دو نعمت بزرگ

مال و سلامت بدن، ثروت و صحت جسم دو نعمت بزرگ حق و دو عنایت خاص الهی به انسان است.

مال و ثروت اگر از طریق حق بدست آید، و در طریق حق خرج شود، راهی برای رسیدن به فیوضات الهی و عنایات ربّانی می‌گردد.

دنبال مال حلال رفتن عبادت است. زحمت کشیدن برای به چنگ آوردن ثروت پاک، بندگی خداست.

مصرف نمودن مال برای خود و زن و بچه، دستور حق و اطاعت از این دستور حرکت در مسیر حق است.

خرج کردن مال در راه رفع نیاز نیازمندان و دردِ دردمندان و حاجت مستمندان عین عبادت است.

مال کلید در بهشت و جایگاه رضایت حق و باعث ثواب عظیم آخروی است.

اگر کسی تقوای الهی را در جنب مال رعایت کند، از آلوده شدن به

حرص، طمع، آز، بخل، خیانت، غل و غش در امان می‌ماند. و مال و ثروت او وسیله پروازش به سوی کمال، و عامل رسیدنش به رضای حق می‌گردد.

صاحبان عقل و درایت در مدت عمر خود هدف و مقصدی جز لقای حضرت محبوب و رسیدن به خانه آخرت، برای بهره‌وری از نعمت‌های بی‌پایان الهی نداشتند و می‌دانستند این مقصود جز با معرفت و عمل قابل تحصیل نیست و مواظبت بر تحصیل معرفت و تداوم عمل راهی جز سلامت و صحت بدن ندارد و سلامت بدن بستگی به آب و نان و پوشاک و مسکن دارد، روی این حساب باید بدنیال مال و ثروت رفتن، و مال و ثروت جز از طریق زحمت و کسب مشروع بدست نمی‌آید، بنابر این کسب مشروع لازم و بیکاری و سربرابر دیگران بودن حرام است.

به این خاطر تجارت و کسب برای آنچنان مقصد بزرگی که عبارت از لقاء حق است، عین عبادت و محض بندگی است و برای تأمین آن منظور مقدس، رعایت تقوا در بدست آوردن مال از واجبات الهی و از احکام ربانی است.

چون مال بدست آمد، در حقیقت نعمت خدا بدست آمده، این نعمت باید در جایی مصرف شود که صاحب نعمت به آن دستور داده؛ از جمله مراحل مصرف خوردن و آشامیدن برای تأمین سلامت بدن و صحت جسم و خوراندن دیگران است. چون صحت و سلامت بدن بدست آمد، و ثروت و مال در اختیار ماند، مسأله استطاعت و قوت و قدرت برای عبادت خدا بوسیله زیارت بیت و حج خانه بدست می‌آید و زمینه اجرای این فریضه بزرگ الهی فراهم می‌شود. در این وقت است که صاحب ثروت و سلامت و دارنده مال و صحت باید بدون درنگ خود را آماده سفر حج کند و جزئی از اجزاء عامل لقاء حق را که انجام مناسب حج است تحقق دهد.

روایت زیر نشان دهنده واقعیاتی است که در سطور گذشته ملاحظه کردید:

عن ابی عبد الله - علیه السلام - فی قول الله - عزّ وجلّ - : «و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا» قال: هذا لمن كان عنده مال و له صحة.»

امام صادق - علیه السلام - در توضیح آیه‌ای که استطاعت برای حج را مطرح کرده، فرمود:
«استطاعت برای کسی حاصل است که صاحب مال باشد و دارای سلامت بدن.»

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۱۰۸

حدیث

نیابت در حج

ادای واجبات الهی، و فرائض ربّانی؛ چنانکه از آیات و روایات استفاده می‌شود، راه حتمی و قطعی به سوی بهشت ابدی است.

علی - علیه السلام - در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه می‌فرماید:

«بر شما باد به فرائض، بر شما باد به فرائض، آنها را ادا کنید تا خداوند شما را به بهشت برساند.»

راه نجات از سخط حق و عذاب قیامت، بندگی و طاعت است.

طاعت حق، زمینه‌ساز آزادی انسان از اسارت هوا و هوس و دور شدن انسان از شیطنت و شیطان است.

قرآن مجید انبیا و اولیا را به بندگی و طاعت حق ستوده و از آنان به عنوان عباد صالح خداوند یاد نموده است.

چون برق بندگی و حرارت طاعت، بر عرصه‌گاه وجود انسان جرقه زند و گرمی بدهد، عشق به معبود در شبستان قلب جلوه بیشتر کند و مایه‌های فساد و افساد از خیمه حیات انسان رخت ببرند.

عبادت و طاعت، مایه‌ساز رحمت و رأفت در دل، و تقویت کننده جان، عامل تزکیه نفس، علاج دردهای درون، مورث پاکی برون و نزدیک کننده انسان به مقام قرب و لقای حضرت محبوب است.

آرامش و امنیت باطن، از عبادت است. سلامت و عافیت وجود، از بندگی است. قوام خانه و خانواده، محصول طاعت خداست. پاکی و پاکیزگی جامعه در اخلاق و اعمال، میوه شیرین اجرای اوامر حضرت حق است.

عبادت و طاعت شیرینی حیات، عامل دفع دشمن، باعث تقویت بنیه فرد و اجتماع، روشنی حیات، چراغ راه، فروغ جان، و به حق و حقیقت قسم، بهترین لذت و کامجویی برای اهل حال است.

از مصادیق بارز عبادت و از شاخه‌های پرثمر شجره طیبه طاعت، ادای مناسک حج و زیارت بیت الله و عبادت عاشقانه در مسجدالحرام و رفت و آمد در صفا و مروه و راز و نیاز با حق در صحرای عرفات و سجده جانانه در مشعرالحرام، و قربان کردن وجود در منای عشق دوست و طرد شیاطین جنی و انسی در رمی جمرات است.

آن را که استطاعت مالی و بدنی حاصل است، باید بار سفر جهت انجام این عبادت عظیم و طاعت کریم بر بندد و بدون دغدغه خاطر و با توکل به حق، پشت پا به ماسوا زده، به سوی معبود خود و معشوق قلب، و محبوب دل بشتابد.

آن را که استطاعت مالی عنایت شده، ولی محروم از استطاعت بدنی است و شوق لقای بیت و عبادت در خانه حق، او را همچون

پروانه در شعله شمع می‌سوزاند، نباید غصه و غم محاصره‌اش کند و دل بخاطر محروم بودن از این سفر الهی در دریای اندوه غرقه سازد؛ زیرا خداوند مهربان برای برداشته شدن این تکلیف از دوش جانش و بهره‌مند شدن از این فیض بی‌نظیر، راه دیگری برایش معین فرموده و آن نایب گرفتن از جانب خود برای انجام مناسک ابراهیمی است.

البته باید در انتخاب نایب دقت بخرج داد و شخصی را برای انجام این عبادت بزرگ مأموریت داد که تا حدی از عهده شرایط ظاهری و باطنی حج برآید.

چون به مؤمن پیشنهاد نیابت از حج داده شد، از باب قضای حاجت برادر مؤمن باید پذیرفت که قبول حاجت مؤمن و قضای نیاز برادر دینی و حل مشکل بنده حق، از اعظم عبادات و وسیله قرب به خداوند است.

نایب باید بداند که نیابت از حج، برای او بهره عظیم و ثواب فوق العاده دارد و نیابت دهنده باید بداند که با تحمل مخارج سفر، نایب علاوه بر ادای تکلیف، دارای نصیب سنگین آخرتی است.

نیابت دهنده بخاطر نایب گرفتن و پذیرنده نیابت بخاطر تحمل رنج نیابت، اهل نجات و مورد عنایت و رحمت حضرت حقند.

روایت بسیار مهمی در مسأله ثواب نایب و آن که از جانب برادر مؤمنش به حج می‌رود وارد شده که در سطور زیر ملاحظه می‌کنید.

قال الصادق -عليه السلام- في الرجل يحج عن آخر: «له أجر و ثواب عشر حجج و يغفر له و لأبيه و لابنه و لإبنته و لأخيه و لعمنه و لخاله و

لخالته، ان الله واسع كريم.»

حضرت صادق -عليه السلام- در رابطه با مردی که از جانب دیگری حج بجا می‌آورد فرمود:

«برای او اجر الهی و ثواب ده حج است و خداوند پدر و پسر و دختر و برادر و عمه و خاله و دایی او را مورد مغفرت قرار می‌دهد، بحق که خداوند دارای رحمت واسعه و کرم بی‌نهایت است.»

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۱۱۷

حدیث

فقط با مال حلال فریضه حج را ادا کنید

قرآن مجید و روایات، دستور اکید به کسب حلال و کار مشروع دارند. طلب مال حلال چنان که در آثار اسلامی آمده بر هر مسلمانی فریضه و واجب است.

کسب حلال و کار مشروع، نوعی عبادت و طاعت بلکه از بهترین و برترین رشته‌های عبادت است.

قرآن مجید دستور می‌دهد، ابتدا مال حلال و طیب تناول کنید، سپس به انجام عبادت و عمل صالح برخیزید. پروردگار عالم، معاش را وسیله آبادی معاد و کسب دنیا را زمینه بدست آوردن آخرت قرار داده، بهمین جهت آنان که دنبال مال حرام می‌روند آخرتی خراب، و معادی آمیخته با عذاب ابد دارند.

اسلام می‌گوید دنیای خود را کمک آخرت قرار دهید و کمک بودن دنیای انسان برای آخرت، در صورتی است که دنیای آدمی حلال و طیب و پاک و پاکیزه باشد.

حمله عرشی و ملکوتی «دنیا مزرعه آخرت است» از رسول الهی، معروف و مشهور می‌باشد. آری آخرت آباد، ثمره دنیای حلال و معاد پاک میوه مال حلال و عمل صالح و اخلاق حسنه است.

مال حلال - به تعبیر قرآن مجید - فضل خدا، رزق طیب، رزق حلال، نعمت الهی و خیر خداوندی است.

تاجر صادق و کاسب مواظب و عامل متدین، بنابر روایات، در روز قیامت با صدیقین و شهدا محشور می‌گردد.

در آثار اسلامی آمده: آن که بدنبال حلال برود، بخاطر این که باری بر دوش مردم نباشد و بر اهل و عیال خود توسعه دهد و بر همسایگانش بوسیله آن مال مهر و رأفت ورزد، در قیامت به لقای حق رسد، بصورتی که چهره‌اش مانند ماه شب چهارده باشد!

بازارهایی که در آن کسب حلال صورت می‌گیرد، به تعبیر رسول اسلام سفره‌های خداوند مهربان است، هر کس در آن بازارها به کسب و کار مشغول شود، از آن سفره پاک بهره‌مند می‌شود.

کاسب و تاجری که دنبال مال حلال می‌دود به فرموده حضرت صادق -علیه‌السلام- همانند رزمنده در راه خداست.

برای بدست آوردن مال حلال، بدون تردید معرفت به فقه و مسائل حلال و حرام لازم است، به همین خاطر، اهل ایمان قبل از دست یازیدن به کسب، از محضر علمای ربّانی استفاده می‌کردند و با مسائل تجارت و حلال و حرام الهی آشنا می‌شدند.

اصبغ بن نباته می‌گوید: شنیدم امیرالمؤمنین -علیه‌السلام- بالای منبر می‌فرمود:

«ای گروه تجار، ابتدا فقیه در مسائل کسب شوید، سپس به تجارت اقدام کنید، ای مردم اول فقه سپس تجارت. بخدا قسم ربا در این امت مخفی‌تر از خزیدن مورچه بر سنگ صاف است. اموال خود را با صدقه حفظ کنید، تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر آن که مال حق بگیرد و مال حق بدهد.»

خداوند مهربان در رحم مادر و در ایام شیر خوارگی روزی دهنده انسان بود، به ایامی که آدمی همراه با اهل و عیال نیاز بیشتری دارد، قطعاً حضرت حق عنایت و توجه فوق العاده‌تری متوجه انسان می‌نماید، بهمین جهت در روزگار بزرگی و زن و بچه‌داری با روزی حلال و رزق طیب از طریق کسب مشروع انسان را در چتر حمایت خود قرار داده، بدون شك عاقلانه نیست روزی‌خور حق از سایه عنایت

و لطف او بیرون رود، و برای اندک مال دنیا که باید بگذارد و برود دست در دست شیاطین گذارد و زندگی خود و زن و بچه و گوشت و پوست و روح خود و اهل و عیالش را به مال حرام آلوده نماید، و از این طریق خود را مستحق عذاب ابد حق کند!

با مال حلال بدن را قوت دهید. قلب را نورانی کنید. روح را تصفیه نمایید. نفس را به عرصه؟ گاه تزکیه و تربیت ببرید. زن و فرزند را از آلوده شدن حفظ کنید. زمینه عبادت با نشاط را فراهم آورید. خشنودی و رضای حق را جذب نمایید. از افتادن در دایره ظلم و ستم به مردم، از طریق غارت حق آنان، بپرهیزید. شهوات خود را با کسب حلال مهار

کنید. صولت و سطوت شیطان؟ های درونی و برونی را بشکنید. به قافله پاکان و صالحان و صدیقان و شهیدان پیوندید. آبروی دنیا و آخرت خود را حفظ کنید. به جلب خشنودی انبیا و امامان برخیزید، که با مال حرام، مالی که از کم فروشی، رشوه، غصب، ربا، دزدی، حيله، تقلب، ظلم، زور و دروغ، بدست آمده نه عبادتی صحیح و قبول است و نه کار خیری مورد پذیرش حق است.

در مسأله حج، که قسمتی از مال انسان باید خرج شود، دقت بیشتری به خرج دهید زیرا ورود مال حرام به قسمتی از برنامه؟ های حج موجب بطلان حج و علت محروم شدن از رحمت حق و باعث لعنت خدا و ملائکه بر حاجی است.

در وطن خود سعی کنید تمام مال خود را اگر مخلوط به حرام است با راهنمایی عالمی ربّانی پاک کنید و به حلال کردن قسمتی از مال برای خرج سفر بسنده نکنید که این عمل پسندیده نیست.

اگر تمام مال حرام باشد، باید به صاحبانش برگردد، در این صورت زمینه؟ ای برای استطاعت باقی نمی؟ ماند.

قبل از سفر حج اگر قدرت دارید به اقوام فقیر برسید. خمس مال را که واجب الهی و دستور قرآنی است بپردازید. از صدقه و انفاق کوتاهی نکنید و اگر از این مسائل عرشی در مکه و مدینه آگاه شدید، بدون مضایقه با عالم کاروان تماس گرفته و با جدیت به پاک شدن کلّ مال خود اقدام کنید تا مبدا خدای ناکرده به مناسک شما لطمه وارد آید و از فیوضات الهی و عنایات ربّانی محروم شوید و از سفر حج جز حمّالی و زحمت و رنج و مشقت و لعنت حق چیزی بجای نماند.

عن الباقر..؟ علیه؟ السلام..؟ قال: «من اصاب مالا من أربع لم يقبل منه في أربع: من اصاب مالا من غلول أو رباً أو خيانة أو سرقة، لم يقبل منه فيزكاة و لا في صدقة و لا في حج و لا في عمرة و قال ابو جعفر لا يقبل الله عزوجل حجاً و لا عمرة من مال حرام.»

حضرت باقر..؟ علیه؟ السلام..؟ فرمود: آن که از چهار طریق مال و ثروت به دست آورد، چهار عمل از او پذیرفته نخواهد شد.

آن که از طریق غش در معامله و ربا و خیانت و سرقت کسب مال کند، زکات و صدقه و حج و عمره او در پیشگاه حق قبول نمی‌شود و نیز فرمود: خداوند حج و عمره‌ای که مخارجش از مال حرام تأمین شده نمی‌پذیرد.»

(۱) ۱ - امالی صدوق، ص ۴۴۲

حدیث

اخلاق زائر

اگر ایمان را به منزله يك ساختمان فرض کنیم، باید بگوئیم این ساختمان از سه عنصر برپا شده، ۱ - اعتقاد به حق و قیامت ۲ - عمل صالح ۳ - اخلاق حسنه.

نقش اخلاق که مجموعه‌ای از حالات مثبت و واقعیات نفسی و باطنی پر منفعت است، در حفظ ایمان و عمل، نقشی بسیار مهم دارد.

ایمان و عمل با نیروی حیا، وقار، کرامت، شرافت، بردباری، حلم، جود، سخاوت، تواضع، خشوع، خشیت، خوف از حق، صبر، استقامت، تغافل، گذشت، صفا، مروت، وفا، تعهد، امین بودن، درست‌ی، پاکدامنی، عفت، عصمت و شخصیت قابل حفظ و قابل تداوم تا لحظه آخر حیات است. اگر انسان آراسته به حقایق اخلاقی نباشد، برای بقا و دوام ایمان و عمل، بدون تردید جای نگرانی هست. بودند کسانی که از ایمان و عمل بطور حقیقت برخوردار بودند ولی در مسیر زندگی بخاطر آلوده بودن به کبر یا حسد، یا بخل و یا نداشتن صبر و استقامت، ایمان و عمل را از دست دادند، و خود را به عذاب ابدی دچار ساختند.

حوادث صدر اسلام، بخصوص پس از وفات پیامبر اسلام، نشانگر این حقیقت است که بسیاری از مسلمانان و مؤمنان بخاطر آراسته نبودن به حقایق اخلاقی در بستر هلاکت افتادند.

اگر بگوئیم اخلاق حسنه، ضامنی معتبر، وثیقه‌ای محکم و دستگیره‌ای سخت برای دور ماندن ایمان و عمل از خطرات سهمگین و حوادث سنگین است سخنی بگزارف نگفته‌ایم.

مسأله اخلاق حسنه و نقش آن در رشد و تکامل و حفظ ایمان و عمل از خطر و خسارت به اندازه‌ای فوق العاده و قابل توجه است که بخشی عمده و بسیار مهم آیات و قرآن و روایات به آن اختصاص داده شده است.

خداوند مهربان پیامبر بزرگوار خود را در قرآن مجید به داشتن خلق عظیم ستوده است و این ستایش نشانگر اهمیت و ارزش اخلاق حسنه در حیات انسان است.

از رسول حق سؤال شد، بهترین سرمایه‌ای که از جانب حق به انسان عنایت شده چیست؟ فرمود: اخلاق نیکو.

توجه داشته باشیم که اخلاق نیکو مجموعه‌ای از اوصاف پاک و خصال حمیده و حالات عرشی و ملکوتی و برنامه‌های پر ارزش است که به تعدادی از آنها در سطور گذشته بعنوان حافظ ایمان و عمل اشاره شد.

رسول حق می‌فرمود: «آنچه بیشتر باعث ورود مردم به بهشت می‌شود، تقوا و اخلاق حسنه است.»

رسول حق، علت برانگیخته شدن خود به پیامبری را اتمام مکارم اخلاق اعلام می‌فرمود.

رسول حق می‌فرمود: «سنگین‌ترین چیزی که در قیامت در نامه اعمال مردم به سنجش گذاشته می‌شود، اخلاق حسنه است.»

همچنین می‌فرمود: «صاحبان اخلاق حسنه طعمه آتش جهنم نمی‌شوند.»

در مورد دیگر فرمود: «نزدیک‌ترین شما در قیامت به من، صاحبان اخلاق پسندیده‌اند.»

حضرت باقر - علیه‌السلام - نیز فرمود: «کامل‌ترین شما از نظر ایمان، نیکو خلق‌ترین شماست.»

امام ششم - علیه‌السلام - چهار چیز را کمال ایمان و باعث مغفرت گناه شمرده‌اند: «صدق، ادای امانت، حیا و خوش اخلاقی.»

در این زمینه، به اندازه‌ای روایت وارد شده که انسان از دیدن آنهمه اثر، شگفت‌زده می‌شود. بیشتر روایات باب اخلاق، در جلد دوم کتاب شریف اصول کافی، جلد یازدهم وسائل الشیعه، جلد سوم محجة البیضاء و از ابتدا تا انتهای کتاب بسیار مهم جامع السعادات نراقی به ثبت رسیده است. دنبال کنندگان حقیقت می‌توانند به آن منابع بسیار مهم رجوع کنند.

از مسائل بسیار مهمی که در سفر حج، از طریق پیامبر و امامان معصوم سخت به آن توجه شده، مسأله اخلاق زائر خانه حق است.

توجه اولیای دین به این مسأله به اندازه‌ای است که گاهی در روایات به زائر هشدار داده شده اگر فاقد اخلاق حسنه باشد و با همسفران خود معامله‌ای غیر از اخلاق حمیده و صفات پسندیده داشته باشد، خداوند مهربان، با همه عنایتی که به حاجی دارد به او توجه نخواهد کرد.

این سفر با برکت، جهت ریاضت و تمرین برای آراسته شدن به حسنات و دوری از سیئات است. سفر بسیار مهم و کلاس بسیار با ارزشی است که زائر بیت باید آن را با جان و دل غنیمت بشمارد.

وای بحال آن زائری که از وطن آلوده به سیئات اخلاقی به حج برود و بدون معالجه خویش از بدبها و آراسته شدن به حسنات به وطن بازگردد.

روایت بسیار مهمی در رابطه با اخلاق در سفر حج از حضرت باقر علیهاالسلام در معتبرترین کتابهای حدیث نقل شده که می‌آوریم:

عن ابی جعفر علیهاالسلام قال: «ما یعبؤ بمن یؤم هذا البیت اذا لم یکن فیه ثلاث خصال: ورع یحجزه عن معاصی الله، و حلم یملك به غضبه و حسن الصحابة لمن صحبه.»

امام باقر علیهاالسلام فرمود: «اعتنا نمی‌شود به کسی که قصد خانه حق کرده، در حالی که در او سه خصلت نیست: ورعی که او را از معاصی و گناهان بازدارد، حلمی که او را بر غضبش چیره سازد و رفتار خوش با کسانی که همسفر اویند.»

(۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۱۲۱

حدیث

آداب معنوی حج

در زمینه آداب معنوی حج و اسرار باطنی مناسک عظیم این سفر، روایاتی بس مهم و احادیثی فوق العاده جالب از منابع وحی رسیده که توجه به مضامین آن جملات عرشى و ملکوتی، بر زائران خانه حق جدّاً واجب و لازم است تا این سفر را همراه با حالی الهی و باطنی صاف و خالص انجام دهند.

البته بخاطر این که اغلب زائران آشنایی به مفاهیم روایات ندارند، بر روحانی کاروان فرض اخلاقی است که این حقایق را در طی سخنرانی‌های خود به مهمانان خانه حق تعلیم دهد.

از جمله آن روایات، روایت مفصلی است که از وجود مبارک حضرت صادق -علیه‌السلام- نقل شده که بخاطر مفصل بودن آن تنها به ترجمه آن قناعت کرده، توضیح و تفسیرش را جهت زائران خانه محبوب به عهده عالمان عامل می‌گذاریم.

حضرت صادق -علیه‌السلام- می‌فرمایند:

«زمانی که قصد بیت حق کردی، قبل از قدم گذاشتن در مسیر سفر، دل را از هر عامل مشغول کننده از دوست و از هر مانعی که باعث محرومیت تو از فیوضات الهی است جدا کن و این گوهر خزانه رحمت را از گرد و غبار مشغولیت‌ها و حجابها پاک گردان و تمام امورت را به خالق و آفریننده خود واگذار و در تمام حرکات و سکنتات خود بر حضرت محبوب تکیه کن، که در تمام صحنه هستی تکیه‌گاه قابل اعتمادی جز وجود مقدس او نیست.»

در برابر قضا و حکم و قدر او صد در صد تسلیم باش و در این زمینه از اضطراب و هراس و دو دلی پرهیز کن که تسلیم بودن به قضا و قدر و حکم حضرت دوست از اخلاق انبیا و اولیای الهی است.

با دنیا و راحت و استراحت آن و مردم وداع کن. از هر حقی که از دیگران بر عهده داری پاك شو. بر زاد و توشه و یاران و اصحاب و قدرت و قوت و جوانی و ثروت خود اعتماد مکن، بترس از این که این همه، در صف دشمنان قرار گیرند و برای تو بصورت وزر و وبال درآیند. آری کسی که ادعای رضای دوست کند و بر غیر او تکیه نماید، غیر او دشمن و وبال او گردند. این واقعیت است که ثابت شده تا بدانی قوت و حيله؟ ای جز حفظ و توفیق خدا نیست.

آماده شو، آمادگی کسی که امیدی به بازگشت از این مسافرت ندارد.

همنشینی با یاران سفر را به بهترین صورت تدارك کن و اوقات واجبات حق و روشهای رسول خدا را در تمام امور رعایت نما.

آنچه از ادب، تحمل مشکلات، صبر و شکر، مهربانی به دیگران، دست و دل بازی در خرج و ایثار زاد باید رعایت کنی رعایت کن.

با آب توبه خالص از گناهانت غسل کن و ظاهر و باطن را شستشو بده، لباس صدق و صفا و خضوع و خشوع در بر کن و از آنچه تو را از یاد خدا باز می‌دارد، و از طاعت حضرت دوست به بدبختی حجاب و ممانعت می‌آورد مُحرَم شو.

بعنوان پاسخ صاف و خالص و پاکیزه به حضرت حق که تو را به حج دعوت فرموده، در حالی که به عروة الوثقای او چنگ زده؟ ای لبيك بگو.

با قلبت، همراه با ملانکه، به طواف عرش درآی چنانکه با وجودت، همراه با مسلمین، به طواف خانه درآمده؟ ای.

در بین صفا و مروه برای فرار از هوای نفس و بیزاری از هر حول و قوه؟ ای که برای خود فرض کرده؟ ای، هروله کن.

در حال خروج از مکه برای ورود به منا از غفلت و لغزش، برای همیشه خارج شو و جز چیزی که برایت حلال است و غیر آن را مستحق نیستی آرزو مکن.

در عرفات که در پیشگاه حضرت مولایی، به تمام گناهان و خطاهایت اعتراف کن و عهدت را نسبت به توحید وجود مبارك او، در سرزمین عرفات، تجدید کن.

در مشعر الحرام به حضرت تعرب جوی و در مدار تقوا و پرهیزکاری درآی و بوقت بالا رفتن از کوه رحمت، سفری روحی و معنوی به ملأ اعلی و ملکوت قدس بنما.

به وقت ذبح قربانی، گلوی هوا و هوس و طمع و آز را با چاقوی عبادت و بندگی قطع کن.

بهنگام رمی جمرات، شهوات و کم مایگی و پستی و کارهای مذموم را از خود بران.

با حلق رأس، عیوب ظاهر و باطن را از سرزمین وجودت قلع و قمع کن.

در ورود به حرم، وارد در امان خدا و حمایت او و پوشش و حفظ حضرت او شو.

با زیارت بیت عظمت و معرفت و سلطنت، صاحب بیت را در عرصه؟گاه وجودت تحقّق بخش.

با استلام حجرالاسود به قسمت او نسبت بخود اعلام رضایت کن و؟در برابر عزّتش سر خضوع و تواضع بر خاک گذار.

با طواف وداع از ماسوای او وداع کن.

بهنگام قرار گرفتن بر کوه صفا، باطن و روح خود را برای روز ملاقات با حق در صحرای محشر صفا ده.

صاحب مروت و جوانمردی باش و اوصاف اخلاقی خود را بوقت قرار گرفتن در مروه تصفیه کن.

بر عشق و محبت نسبت به حضرت حق و وفای به عهدت؛ آن عهده که با حضرت او بستنی که بنده واقعی او باشی استقامت ورز.

این حقیقت را عارف باش که حج از جانب حق واجب نشده و از میان تمام عبادات اختصاص به او پیدا نکرده و در شرع نبوی مناسکش بدین صورت ترتیب نیافته مگر برای ظهور آمادگی تو برای بندگی و طاعت واقعی و اشاره به مرگ و قبر و زنده شدن و؟صحنه عظیم قیامت.

او می؟خواهد که بنده؟اش با مشاهده صحنه؟های حج، به دخول اهل بهشت به بهشت و ورود اهل جهنم به جهنم معرفت پیدا کند.»

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۱۲۴

حدیث

آداب ورود به حرم

حرم یادآور عنایت و رحمت خاص حق به این قطعه از زمین است؛ قطعه؟ای که خداوند عزیز با دعوت بندگانش به آن ناحیه، آنان را در کلاس عبادت و طاعت و بندگی و عبودیت به عرصه؟گاه آزمایش و؟امتحان و بلا و ابتلا می؟آورد؛ امتحان و آزمایشی که هر کس از آن سرفراز و قبول درآید، محبوب حق می؟شود و در دریای رحمت و؟غفران و رأفت و لطف غرق می؟گردد.

حرم یادآور نزول فرشتگان و رفت و آمد ملائکه برای طواف بیت و عبادت حق و همسویی با اولیای الهی و بندگان خاص پروردگار است.

حرم در عالم معنا قبه؟ ای از نور، انعکاسی از ملکوت، تاجی بر فرق زمین، خاستگاه رحمت، ایستگاه مغفرت و خزانه عنایت دوست، منبع رحمت معشوق برای عاشق مست، عارف حیران و سالک مجذوب و؟ مجذوب سالک است.

حرم یادآور کرامت و فضیلت، اصالت و شرافت، حق و حقیقت، صدق و سلامت، بی‌پیرایگی و امانت و درستی و امنیت است.

حرم یادآور اخلاص و پاکی، رفع آلودگی و ناپاکی، عبادت و بندگی، خضوع و شرمندگی و نورانیت و یکرنگی است.

حرم یادآور چهره پاکان، مناجات نیکان، عبادت بندگان، آزادی بردگان، شفای درد دردمندان، امید امیدواران، راز و نیاز مستمندان، شکر شاکران، ذکر ذاکران، و ضجه و ناله صالحان است.

حرم یادآور طاعت انبیا، اخلاص اصغیا، اشک دیده اولیا، صفای اهل حال، وفای وفاداران و بصیرت دانایان است.

حرم یادآور هاجر، رضا و تسلیم اسماعیل، زحمت و کوشش و؟ نیت نورانی ابراهیم و طلوع وحی و ظهور قرآن است.

حرم جایگاهی نیست که هر کس را بدون شرایط راه دهند. هر زائری را بپذیرند و هر مسافری را راه نمایند. اینجا مهبط رحمت، موقف توبه، مکان استغفار، مرکز عبادت، نقطه پایان هجران، جای تماشای رخسار محبوب، محل سرگذاری به حریم معشوق و مشرق خورشید اسماء و صفات حضرت دوست است.

حرم را برای ورود به حریمش مقدماتی لازم است؛ از جمله رفتن به میقات، تلبیه، مُحرم شدن، و نفس را از بیست و چهار چیز بازداشتن، و در عرصه؟ گاه حال و اخلاص و راز و نیاز آمدن و با پای دل به سوی محبوب به حرکت آمدن، آنگاه به حریم حرم مولا وارد شدن!

شرایط ورود به حرم از زبان پاک؟ وجود؟ مبارک؟ حضرت رضا .؟ ع.؟ :

«فاذا بلغت الحرم فاغتسل قبل ان تدخل مكة و امش هنيئة و عليك السكينة و الوقار، فاذا دخلت مكة و نظرت الى البيت فقل: الحمد لله الذي عظمك و شرفك و كرمك و جعلك مثابة للناس و اماناً و هدى للعالمين، ثم ادخل المسجد حافياً و عليك السكينة و الوقار و ان كنت مع قوم تحفظ عليهم رجالهم حتى يطوفوا و يسعوا كنت أعظمهم ثواباً و؟ ادخل المسجد من باب بنى شيبه فقل: بسم الله و بالله و على ملة رسول الله، ثم تطوف بالبيت تبدأ بركن الحجر الاسود و قل: امانتى اديتها و؟ ميثاقى تعاهدته لتشهد لى بالمؤافاة، أمنت بالله عزّ وجلّ و كفرت بالجبت و الطاغوت و اللات و العزى و الهبل و الاصنام و عبادة الأوثان و الشيطان و كل ند يعبد من دون الله جل سبحانه عما يقولون علواً كبيراً.»

«هنگامی که به عرصه؟گاه حرم رسیدی، قبل از ورود به مکه غسل کن. با دلی شاد به حرکت خود ادامه بده. وقار و آرامش را رعایت نما. چون داخل مکه شدی و به بیت نظر انداختی بگو: سپاس خدای را که تو را عظمت و شرافت و کرامت داد و مرکز اجتماع بندگان و؟هدایت عالمیان قرار داد.

سپس با رعایت وقار و آرامش، با پای برهنه وارد مسجد شو. اگر همراهانی داشتی وسایل آنان را نگهدار تا طواف و سعی بجای آرند که بزرگترین ثواب نصیب تو شود.

از در بنی شیبه وارد مسجد شو و بگو: بسم الله و بالله و على ملة رسول الله - صلى الله عليه و آله - سپس به طواف خانه برخیز و برنامه طواف

(۱) - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۹

را از مقابل حجرالاسود شروع کن و بگو:

امانتی است که آن را ادا می؟کنم و پیمانی است که نسبت به آن، با حضرت تو تعهد می؟کنم تا شاهد وفای آن از جانب من باشی.

ایمان به خدای - عزوجل - آوردم و نسبت به حبت و طاغوت و لات و عزّی و هبل و همه بت؟ها، و بندگی معبودهای باطل و شیطان و هر چه به غیر خدا عبادت می؟شود کافر شدم. بزرگ است حضرت سبحان و پاک و منزّه است از آنچه بی؟خیران و بی؟خردان در حقّ او می؟گویند.»

حدیث

طواف بیت

حضرت رضا -؟علیه؟السلام؟- در رابطه با طواف جامع و کامل می؟فرماید:

هفت مرتبه خانه حق را طواف کن و فاصله بین قدمهایت را کوتاه بگیر. در هر طوافی حجر را استلام کن و اگر برایت امکان نداشت با دست خود به آن اشاره کن. کنار در بیت بگو: گدای زمین؟گیر در خانه؟ات قرار دارد. بنده تو فانی و فقیر و محتاج به عرصه؟گاه حریمت بار انداخته است، بهشت خود را به او عطا کن. چون مقابل ناودان رسیدی بگو: الهی مرا از آتش دوزخ آزاد کن و شرّ فاسقان عرب و؟عجم را از من دور نما و مرا در سایه عرش خود قرار ده و شرّ هر صاحب شری؛ از فسقه جن و انس را از من بگردان و در طواف خود بگو: بار خدایا! از تو می؟خواهم به آن اسمی که از برکت آن بر آب می؟روند، چنانکه بر زمین حرکت می؟کنند و به اسم مخزون و مکنون نزد تو و به اسم اعظم آن؛ اسم اعظمی که وقتی به آن خوانده شوی اجابت کنی و وقتی از تو بخواهند عطا فرمایند، تو را به همه این اسماء

قسم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا مورد مغفرت و رحمت قرار دهی و عمل مرا قبول کنی به نحوی که از ابراهیم خلیل خود و موسی کلیم خود و عیسی روح خود و محمد حبیب خود قبول کردی.

چون به رکن یمانی رسیدی آن را استلام کن. در رکن یمانی دری از درهای بهشت است که از روز باز شدن بسته نشده، از برابر رکن یمانی به زاویه مسجد اشاره کن و بگو: ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار.

چون به طواف هفتم رسیدی کنار مستجار توقف کن و پرده کعبه را بگیر و زیاد دعا کن و نزد حضرتش اصرار ورز و حوائج دنیا و آخرت خود را بخواه که حضرت حق قریب و مجیب است.»

(۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۱۹۶

حدیث

ثواب طواف

طواف؛ یعنی قرار گرفتن در مدار حق و حقیقت، قدم برداشتن در صراط مستقیم، حرکت در مسیر عشق و محبت، افتادن در وادی اخلاص و تسلیم، توجه به محبوب، و اتصال به عنایت معشوق، فراهم آوردن لقاء یار و دست بیعت دادن به دست دوست، زمینه‌سازی برای جلب مغفرت و رحمت حق و پاک شدن از آلودگیها و صیقل روح و پاکسازی جان و تحصیل رضای صاحب بیت و البته رحمت و کوشش برای بدست آوردن اینهمه مایه معنوی دارای اجر عظیم و ثواب فوق العاده است.

روایت زیر گوشه‌ای از عظمت این معنا را نشان می‌دهد:

عن اسحاق بن عمار قال: «قال ابو عبد الله -عليه السلام-: يا اسحاق من طاف بهذا البيت طوافاً واحداً، كتب الله له ألف حسنة و محا عنه ألف سيئة و رفع له ألف درجة و غرس له ألف شجرة في الجنة و كتب له ثواب عتق ألف نسمة حتى اذا صار الى الملتزم فتح الله له ثمانية أبواب

الجنة يقال له: أدخل من أيها شئت، قال: فقلت: جعلت فداك هذا كله لمن طاف؟ قال: نعم أفلا أخبرك بما هو أفضل من هذا؟ قال: فقلت: بلى، قال: من قضى لأخيه المؤمن حاجة كتب الله له طوافاً و طوافاً حتى بلغ عشرًا.»

از اسحاق بن عمار روایت شده که حضرت صادق فرمود: «ای اسحاق کسی که یک بار خانه خدا را طواف کند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می‌کند، هزار سیئه محو می‌نماید، برایش هزار درجه قرار می‌دهد، هزار درخت در بهشت می‌کارد و ثواب آزاد کردن هزار بنده به او مرحمت می‌فرماید، چون به ملتزم برسد هشت در بهشت به روی او باز می‌شود و به او می‌گویند: از هر دری خواستی وارد شو. اسحاق می‌گوید به حضرت عرضه داشتیم این همه برای کسی است که خانه را طواف کند؟

فرمود: آری، آیا به ثوابی عظیم‌تر از این تو را خبر ندهم؟ گفتم: آری خبر دهید. فرمود: هر کس حاجتی از برادر مؤمنش برآورده کند به اندازه ده طواف به او ثواب می‌دهند!»

راستی قضای حاجت برادر دینی دارای چه ثواب عظیمی است و بهره و نصیب انسان از این عمل چه اندازه زیاد است! ای کاش تمام مردم مؤمن به این امر مهم اقدام می‌کردند که قدم گذاشتن در این وادی به تمام مشکلات مردم خاتمه می‌دهد و دنیای امت را تبدیل به مدینه فاضله و نمونه‌ای از بهشت آخرت می‌کند.

(۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۲۰۲

حدیث

حجر اسماعیل

مسئله با عظمت حج که حاوی بسیاری از واقعیات است از اعظم مسائل الهی و از مهم‌ترین برنامه‌های عالی مکتب انسان‌ساز اسلام است.

مسلمانان اگر به حقایق پر قیمت این عمل عبادی اسلام توجه کنند و برنامه‌های این سفر آسمانی را چنان که شایسته است انجام دهند، به رفع بسیاری از مشکلات دنیایی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و آخرتی خود موفق خواهند شد.

معنویت کعبه و آنچه مربوط به آن است، دور نمایی از عظمت و جلال و جبروت صاحب آفرینش و خالق هستی است. مسلمانان اگر شرایط واقعی حج را در اعمال خود تحقق دهند، به عظمتی ما فوق تمام عظمت‌ها و جلالی ما فوق تمام جلالت‌ها می‌رسند.

در مناسک حج، تمام عوامل تکامل انسان قرار داده شده و حاجی باید با انجام مناسک، تمام خلأهای فکری و روحی و اخلاقی

و به خصوص ایمانی خود را جبران نماید و اگر بدینصورت در اتصال به اعمال حج استفاده نماید، حج بجا نیآورده و اعمالی هماهنگ با واقعیات الهی از او بروز و ظهور نکرده است. کعبه قبله دلها و ارواح و افکار پاکان و نشانه‌ای برای جهت دادن تمام موجودیت انسان به سوی حضرت محبوب است.

کعبه محوری است که باید انسان با گردش به دور آن محور، از تمام ردائل بیرون آمده و به تمام حسنات آراسته گردد.

کعبه خانه عبادت و بندگی و مرکز عشق و عاشقی و جایگاه پاکان و نیکان و مرکز بخاک افتادن صالحان و صدیقان به پیشگاه حضرت حق است.

کعبه و حجر اسماعیل و مسجدالحرام جایگاه با عظمتی است که انبیای بزرگ الهی و امامان بزرگوار، به آن روی عشق داشته و شبهای عمر خود را تا صبح در آن مکان مقدس با کمال خضوع و خشوع به عبادت گذراندند.

کعبه قلب معنویت و مرکز عبودیت و جایگاه خلوص و محل خضوع و خشوع است و دلی که از این اوصاف عالی رنگ ندارد، در آن حریم مبارک راه ندارد. بدون نفس تزکیه شده و قلب آراسته به حقایق و اوصاف الهی، نمی‌توان راهی به آن وادی مقدس و حرم با عظمت پیدا کرد که راه واقعی به سوی حضرت معبود فقط از طریق دل پاک و روح صاف و نفس آراسته به حسنات است.

تا از خودیت‌های شیطانی بیخود نگردی، تا از شرارت‌های نفس

پاک نشوی، تا از چاه تاریک رذائل بیرون نیایی، تا خودیت الهی خود را باز نیایی، تا خویشتن را از بیگانگان و دشمنان بی‌نیاز نسازی به حریم حرم راه پیدا نکنی.

حجر اسماعیل که در دامن بیت و داخل مطاف است، محل زندگی هاجر، آن انسان والا و کم نظیر و جایگاه زندگی اسماعیل آن نمونه اعلاای انسانیت و اقامه کننده نماز و ادا کننده زکات و وفادار به پیمان و آن شخصیتی است که خداوند عزیز در قرآن مجید او را «صادق الوعد» ستوده و نسبت به او اعلام رضایت فرموده است؛ آن بزرگ پیامبری که زن و فرزند را به نماز و عبادت خدا دعوت می‌کرد و در کنار بیت زندگی را به عبادت و مناجات و خدمت به مردم منطقه و تربیت عباد حق می‌گذراند.

حجر اسماعیل، بنا بر مشهور، مدفن عده‌ای از انبیا و سفرای حق و محل دفن هاجر و اسماعیل است.

امامان شیعه در آن محل به عبادت و مناجات با قاضی‌الحاجات می‌پرداختند و به دعا و راز و نیاز در آن مکان شریف اصرار داشتند. روایت زیر گوشه‌ای از این حقیقت را بازگو می‌کند:

عن علی بن مزید بیاع السابری قال: «رأيت أبا عبدالله -عليه السلام- في الحجر تحت الميزاب مقبلاً بوجهه على البيت باسطاً يديه وهو يقول:

اللَّهُمَّ ارحم ضعفى و قلّة حيلتى، اللَّهُمَّ أنزل علىّ كفلين من رحمتك و ادرّ علىّ من رزقك الواسع و ادرأ عني شرّ فسقة الجنّ و الانس و شرّ فسقة العرب و العجم، اللَّهُمَّ أوسع علىّ من الرزق و لا تقتر علىّ، اللَّهُمَّ ارحمنى

و لا تعذبنى أرض عنى و لا تسخط علىّ، أنّك سميع الدعاء، قريب مجيب.»

علی بن مزید می‌گوید: «حضرت صادق -عليه السلام- را در حجر اسماعیل زیر ناودان دیدم که متوجه بیت بود و دو دست به دعا برداشته به محضر حق عرضه می‌داشت: الهی به ناتوانیم و اندک

چاره؟ ام رحم کن. الهی رحمت دنیا و آخرت را بر من نازل فرما و از روزی وسعت بر من زیاد گردان، و شرّ فاسقان جن و انس را و فاسقان عرب و عجم را از من دور کن. خدایا روزیم را وسعت ده و بر من تنگ مگیر. الهی به من رحمت آور و مرا عذاب مکن. از من راضی شو و بر من غضب منما. به حقیقت که شنونده دعایی و نزدیکی و اجابت کننده خواسته بندگانی.»

(۱) - ۱ - بحار، ج ۹۶، ص ۱۹۹

حدیث

نماز طواف

نماز، اساسی‌ترین رشته الفت و عالی‌ترین عامل محبت بین بندگان و حضرت حق است.

نماز، نور دل، صفای قلب، روشنی جان، سلامت روان و فروغ هستی و ذات عباد صالح خداست.

نماز، واسطه محکمی است که تمام هستی انسان را به ملکوت وجود پیوند می‌دهد و همانند آن، برنامه‌ای را برای ربط دادن آدمی به حق و حقیقت نمی‌توان یافت.

نماز، پناه بی‌پناهان، سنگر مجاهدان، گلستان روح افزای عاشقان، چراغ سحر مشتاقان، نور وجود عارفان، آرامش دل بینایان و سیر کمالی آگاهان است.

نماز، زنده کننده جان، ظهور دهنده حیات جاودان، راز و نیاز دردمندان، روشنی راه رهروان، نور دیده بیداران، سرمایه مستمندان، دوی درد سالکان، نوای دل‌بی‌دلان، دلیل گمراهان، امید امیدواران، سرّ

حقیقی سحر خیزان، سوز دل سوختگان، حرارت روح افسردگان، مایه بقای جان، و دستگیره نجات انسان از تمام مهالك است.

نماز، برتر از همه عبادات، جامع تمام کمالات، منعکس کننده کلّ واقعیات، منبع برکات و کلید قفل تمام مشکلات است.

نماز، خمیر مایه حیات، تزکیه کننده صفات، علاج زشت‌ترین عادات، بوجود آورنده حسنات، محو کننده سیئات، باعث کرامات، منبع فیض و افادات، نگهدارنده انسان از آفات و حقیقت روح اهل مناجات است.

نماز، عشق سالکین، عبادتی آتشین، کاری بی‌قرین، بهترین معین، خورشید اهل زمین، مونس اصحاب دین، امنیت خاطر غمین و رحمت واسعة حضرت ارحم الراحمین است.

نماز، حقیقتی روحانی، دستور واجب حضرت سبحانی، نفخه رحمانی، جان انسانی، و نور یزدانی است.

نماز، هویت ایمان، حقیقت جهان، طریقت جان، قدرت انسان و مایه بهشت و رضوان است.

نماز، چشمه زمزم روح، ساغر معنوی صیوح، فتح الفتوح، توبه نصوح، حضرت حق را ممدوح، اجمال قرآن را مشروح و در طوفان حوادث و آفات کشتی نوح است.

بدون نماز خود را اهل حق و حقیقت میدان و رسیدن فیض خاص الهی را توقع مدار.

اکسیر وجود منهای نماز بی سود است. بی؟ خبران از نماز،

بی؟ خردانند و فراریان از این مقام گرفتار دام شیطانند.

ثروتمندان بی؟ نماز فقیرند و تهیدستان با نماز از همه ثروتمندترند.

برای انجام نماز، مکانی، در همه زمین، برتر و بالاتر از مسجدالحرام نیست و در محدوده مسجدالحرام جایی افضل و اعلی از مقام ابراهیم نمی؟ باشد؛ مقامی که دو رکعت نماز طواف، که از نمازهای واجب است، پس از اتمام طواف باید در آنجا انجام بگیرد.

ثواب هر نمازی بخصوص نماز طواف در مسجدالحرام ثوابی عظیم است.

در این زمینه روایت زیر نشاندهنده عظمت این حقیقت است:

عن الرضا عن آبائه، عن الباقر - علیهم؟ السلام - قال: «صلاة فی المسجدالحرام أفضل من مائة ألف صلاة فی غیره من المساجد.»

حضرت رضا از پدرانش از حضرت باقر - علیه؟ السلام - روایت می؟ کند که: «یک نماز در مسجدالحرام بالاتر از صد هزار نماز در مساجد دیگر است!»

(^۱) - ثواب الاعمال، ص ۲۸

حدیث

سعی صفا و مروه

زائر با ورود به حریم حرم و با قدم گذاردن به مسجدالحرام و دیدن کعبه و مقام و رکن و مستجار و حجرالاسود، و صفا و مروه - که در قرآن مجید می؟ فرماید از شعائر خداست^(۱) - باید با چشم دل نظری به ابراهیم و اسماعیل و هاجر با کرامت بیندازد که این بزرگواران در چه مقامی از عبادت و بندگی و اخلاص و تسلیم قرار داشتند و چگونه و با چه کیفیت از اخلاق حسنه و عمل صالح برخوردار بودند.

ملکوت اعمال و اخلاق این بندگان خاص حق بصورت کعبه و مسجدالحرام و صفا و مروه و مقام و مناسک مربوط به این مکانها درآمد.

هاجر جهت سیراب کردن اسماعیل، برای رضا و خوشنودی حق هفت مرتبه صفا و مروه را سعی نمود تا لطف خدا بصورت چشمه

۱ - بقره، ۱۵۸

زمزم جهت ادامه حیات این مادر و فرزند تجلی کرد. و این معنا بصورت سعی صفا و مروه سنت الهی شد و بر تمام حاجیان انجام این سنت واجب و فرض گشت.

حاجیان برای سیراب کردن قلب از ایمان و عقل از معرفت و نفس از حسنات و اعضای رئیسه بدن از اعمال صالحه، باید به سعی صفا و مروه برخیزند و سعی خود را فرار از شیطان و روی آوردن به حق قرار دهند.

در ادای «سعی» باید سعی زائر این باشد که این حرکت در صفا و مروه را بمنزله تردد در حریم خانه مالك الملوك قرار دهد و نسبت به حضرت او امید عطا و بخشش داشته باشد.

ای عزیز، در حال سعی صفا و مروه، دامن همت به کمر زن، دست طلب بگشای و با هر تعب و زحمتی است، حالات خود را در همان مدت اندک اصلاح کن و شرایط زائر حقیقی را تحصیل نما و از این معجون الهی که با کشف نام محمدی و ابراهیمی برای درمان تمام دردها و نقص‌های نفوس فراهم آمده استفاده کن و خود را، تا مجال است، از این منزلگاه ظلمت و حسرت و ندامت و چاه عمیق دوری از ساحت مقدس ربوبیت جلّ و علا کوچ ده و خلاص کن و خویشتن را به معراج وصال و قرب و کمال برسان.

لباس گناه و معصیت در این رفت و آمد از وجود خود بدر آر و به لباس پاکی و تقوا آراسته شو و غبار و خاک شیطنت بهنگام هروله کردن، از باطن بریز و لجن هوا و رذائل اخلاقی از درون پاک کن و با آب

عشق دوست ظاهر و باطن بشوی و با دست اخلاص در تسلیم را بکوب و سعی کن جز سر باختن در راه محبوب هوسوی در دل نماند.

در این رفت و آمد، اگر آلودگی کبر، حرص، بخل، دو رویی، کینه، تعصب، خشم و غضب، ریا و خودنمایی و غرور و خود بزرگ بینی علاج نشود، فلسفه سعی صفا و مروه تحقق پیدا نکرده است. روایت زیر نشانگر حکمت شگفت‌انگیز سعی است:

قال ابو عبد الله -عليه السلام-: «ما لله عزّ وجلّ منسك أحبّ الى الله تبارك و تعالی من موضع السعی و ذلك انه يذلّ فيه كلّ جبار عنيد.»

«برای خداوند در میان مسائل مناسك، مسأله‌ای محبوبتر از موضع سعی نیست و این بخاطر این است که هر جبار معانندی در آن محلّ به ذلّت می‌افتد.»

حدیث

نماز در مسجد الحرام

انسان برای ورود به عرصه؟ گاه معنوی نماز و دست یافتن به حقیقت این عبادت، ناچار است مراحل و منازل را طی کند.

در مرحله اول باید نسبت به لباس و مکان و آب وضو و غسل و؟ خاک تیمم از حق و حقوق تمام مردم و بیت؟ المال مسلمین پاک شود.

اگر ذره؟ ای از اجزاء لباس یا قسمتی از مکان و محل این عبادت، یا قطره؟ ای از آب وضو و غسل، یا مقداری از خاک تیمم غصبی یا حرام باشد، با آن لباس و در آن مکان و با آن آب و خاک بهیچ عنوان نمی؟ تواند به بارگاه قدس برسد و به میهمانی حضرت محبوب مشرف گردد.

نماز با لباس حرام و با آب و خاک غیر مباح و با مکان غیر شرعی نماز نیست، هر چند مکلف برای بجا آوردن آن خود را به انواع مشقتها و زحمات و رنج؟ها دچار کند.

مگر امکان دارد کسی با آلودگی به مال حرام یا قرار گرفتن در مقام حرام، یا با اتصال به غسل و وضو و تیممی که آب و خاکش از راه حرام است، به بارگاه عزت آن عزیز راه یابد.

نماز مقام پاکان و نیکان است. نماز جایگاه بینایان و دانایان است. نماز طریق عاشقان و عارفان است.

عارف عاشق محال است در مسائل نماز و سایر برنامه؟ها از دستور معشوق سرپیچی کند.

مگر برای مؤمن امکان دارد با آب غصبی یا خاک حرام غسل یا وضو یا تیمم بسازد، آن وضو و غسل و تیمم مگر طهارت خدا خواسته را تحقق می؟دهد؟!

ای عزیز، به قدر میسور و مقدار مقدور این وقت مناجات را غنیمت شمار و به آداب قلبی و قالبی آن قیام کن و به قلب خود بفهمان که مایه حیات ابدی و سرچشمه فضایل نفسانی و رأس المال کرامات غیر متناهی به مراودت و مؤانست با حق است، بخصوص بتوسط نماز که معجون روحانی ساخته شده با دست جمال و جلال حق است، و از جمیع عبادات جامع؟تر و کامل؟تر است، پس اوقات و شرایط آن را حتی؟الامکان محافظت کن.

اشتغالات قلبی را در اوقات نماز کم و بلکه قطع کن. به کتب روایت مراجعه نما و در ضمن توجه به احادیث، در احوال معصومین تدبیر کن و در حالات آن بزرگواران تأمل نما، شاید تنبّهی حاصل آید و؟بتوان

به قلب مهجور فهماند که اوقات نماز، اوقات حضور در بارگاه قدس حضرت ذوالجلال است. اوقاتی است که حق تعالی، که مالک الملوك و عظیم مطلق است، بنده ضعیف ناچیز را به مناجات خود

دعوت فرموده و بدار الكرامت خود اذن دخول داده تا فوز به سعادت؟های ابدی و سرور و بهجت؟های دائمی پیدا کند.

از دخول وقت نماز به مقدار معرفت خود، بهجت و سرور داشته و اگر قلب استشعار عظمت و خطر مقام کند به مقدار فهم عظمت، خوف و خشیت حاصل می‌شود و چون قلوب اولیا مختلف و حالات آنها متفاوت است، به حسب تجلیات لطیفه و قهریه و استشعار عظمت و رحمت و جمال آنها را به سرور و بهجت وادار کند و «أرحنا یا بلال» گویند و گاهی تجلیات به عظمت و قهر و سلطنت آنها را از خود بیخود کند و رعشه و رعه به آنها دست دهد.

بالجمله، ای زائر آداب قلبیه اوقات آن است که خود را مهیا کنی برای ورود به حضور مالک دنیا و آخرت و مخاطبه و مکالمه با حضرت حق - جلّ و علا - پس با نظری دقیق، توجه به ضعف و بیچارگی و ذلت و بینوایی خود، و عظمت و بزرگی و جلال و کبریایی ذات مقدس او بنما که انبیای مرسلین و ملائکه مفرّبین در بارگاه بزرگیش، از خود بیخود شوند و اعتراف به عجز و مسکنت و ذلت کنند و چون این نظر را نمودی و به دل فهماندی، آن دل استشعار خوف کند و خود و عبادات خود را ناچیز شمارد.

از طرفی دیگر، با نظری عمیق توجه به سعه رحمت و کمال عطوفت و احاطه رحمانیت آن ذات مقدس کن که بنده ضعیفی را به بارگاه قدس خود، با همه آلودگی و بیچارگی که دارد، بار داده و او را با همه تشریفات فرو فرستادن فرشتگان و نازل نمودن کتابهای آسمانی

و فرستادن انبیای مرسلین، دعوت به محفل انس خود فرموده، بدون آن که سابقه استعدادی از برای بنده بیچاره باشد و یا در این دعوت و حضور برای حضرتش یا ملائکه الله یا انبیا سودی تصور شود.

پس با قدم خوف و رجاء، رغبت و رهبت خود را مهبای حضور کن که عمده آن آن است که با قلب خجل و دل پر از خوف و با حال انکسار و ذلت و ضعف و بیچارگی وارد محضر شوی و خود را بهیچ وجه لایق محضر ندانی و لایق عبادات و عبودیت نشماری و اذن در عبادت را فقط از شمول رحمت و عمیم لطف حضرت محبوب بدانی، که اگر ذلت خود را نصب عین کردی و به جان و دل برای ذات مقدس حق تواضع نمودی و خود و عبودیت خود را ناچیز و بی‌ارزش دانستی حق تعالی با تو لطف کند و تو را رفعت دهد و به کرامات خود بیاراید.

اگر بگویند نماز باب رحمت، بارگاه قدس، میقات عاشقان، معراج مؤمنان، عشق عارفان، راه دانایان، صراط بینایان، جان والهان، وسیله قرب جانان، و درمان دردهاست، چیزی به گزاف نگفته‌اند.

معاویه بن وهب می‌گوید: «از حضرت صادق - علیه السلام - پرسیدم: برترین چیز که وسیله قرب عباد به حق و محبوبترین عمل نزد خداوند است چیست؟ فرمود: پس از شناخت حق، چیزی را محبوبتر از نماز نمی‌شناسم.»

ابوبصیر از حضرت صادق -علیه السلام- نقل می‌کند: «يك نماز واجب از بیست حج بالاتر است و يك حج بهتر است از خانه‌ای که پر از طلا

(۱) - فروع کافی، ج ۱، ص ۳۷

باشد و همه آن در صدقه مصرف شود.»

یونس بن یعقوب گوید: «شنیدم حضرت صادق -علیه السلام- فرمود: يك حج از دنیا و آنچه در آن است بالاتر است و يك نماز واجب از هزار حج بالاتر است.»

با توجه به این اوصاف، بر زائر بیت لازم است؛ اولاً تمام نمازهای واجب خود را در حرم اقامه کند، و آن نمازها را - چنانکه سفارش بزرگان دین است - با جماعت بخواند که روی گرداندن از جماعت آنهم در کشوری که انسان را مورد تهمت قرار می‌دهند، و بوقت اقامه نماز با فیلم برداری، رفت و آمدها را کنترل می‌کنند، از شأن مؤمن دور، و باعث وهن شیعه و بدبینی دیگر مسلمانان به فرقه ناجی و علت رنجش حضرت ولی عصر -علیه السلام- است.

چه مکانی برای نماز بالاتر از مسجدالحرام و چه حریمی از حضرت محبوب برتر و چه جماعتی از نظر جمعیت، به کثرت جمعیت مسجدالحرام بوقت نمازهای واجب است؟

ما در آنجا مأمور به اقتدای به نماز هستیم، این مأموریتی است که امامان بزرگوار، بعهد ما گذاشته و ثواب عظیمی برای آن ذکر کرده‌اند.

علاوه بر نمازهای واجب و ادای مناسک لازم سعی کنید تا می‌توانید در آن مکان شریف نماز قضا و نمازهای نافله و مستحبی

(۱) - وسائل، ج ۳، ص ۲۶

(۲) - وسائل، ج ۳، ص ۲۷

بخوانید و مدت کوتاهی که خداوند مهربان در این سفر بعهد شما گذاشته ضایع نکنید.

از نماز شب در آن حرم مبارك غفلت نورزید و لحظه‌ای دست از مناجات و راز و نیاز با حضرت بی‌نیاز بر ندارید.

به ارزش نماز در مسجدالحرام که در روایت زیر بازگو شده دقت فرمایید:

عن معاوية بن عمار قال: قال أبو عبد الله لابن أبي يعفور: «أكثر الصلاة في مسجد رسول الله - صلى الله عليه و آله - فان رسول الله - صلى الله عليه و آله - قال: صلاة في مسجدي هذا، كألف صلاة في مسجد غيره إلا المسجد الحرام، فان صلاة في مسجد الحرام تعدل ألف صلاة في مسجدي.»

معاوية بن عمار گوید: حضرت صادق - علیه السلام - به ابن ابی یعفور فرمود: «در مسجد رسول خدا زیاد نماز بخوان، که پیامبر خدا فرمود: نماز در این مسجد برابر هزار نماز است مگر مسجد الحرام که نماز در مسجد الحرام برابر هزار نماز در مسجد من است.»

(۱) - کامل الزیارات، ص ۲۱

حدیث

عرفات

چون عمره تمتّع با تمام شرایط ظاهری و معنویش به پایان رسد، زائر خانه آماده رفتن به عرفات می‌شود.

قبل از رفتن به عرفات، مستحب است زائر غسل کند و به مسجد الحرام رفته در پیشگاه محبوب، نزدیک مقام ابراهیم به احرام حج تمتع محرم شود و برای وقوف به عرفات، از ابتدای ظهر نهم تا غروب آفتاب آماده شود.

عرفات گر چه از نظر ظاهر، بیابانی بیش نیست ولی باطن آن مضيف خانه حضرت محبوب و جای مهمانان خاص حضرت حق است.

وادی عرفات محفل راز، محلّ اظهار نیاز، جایگاه درمان دردهای باطن، مرکز دعا، عرصه؟ گاه حال و مناجات، میدان طلب رحمت و؟ مغفرت از جناب دوست و موضع گذاشتن پیشانی ذلت به درگاه مالک الملوك است.

ناله دردمندان در آن صحرا مورد قبول و آه و فغان مستمندان در آن وادی در معرض توجه خداوند مهربان است.

در آنجا باید زمینه لقای دوست را فراهم آورد و از گلستان رحمت حضرتش گل وصال چید.

آنجا باید با دیدن کثرت کفن پوشان، یاد قیامت کرد و بوقت کوچ بهنگام غروب، آن لحظه را باید در نظر آورد که خیمه حیات را با همه وسائل و عناصرش خوابانده و انسان را به طرف برزخ با يك لا کفن کوچ می‌دهند!

برای آنان که هزاران فرسخ راه را طی کرده و دل از اهل و عیال و مال و منال برداشته و به آن صحرا آمده‌اند و تکیه‌گاهی جز حق ندارند و با دوست به راز و نیاز برخاسته و از حضرتش - با کمک دعای عرفه حضرت سید الشهداء و راز و نیاز - طلب عنایت و رحمت و مغفرت می‌کنند، ثواب عظیمی قرار داده شده که روایت زیر گوشه‌ای از آن را بازگو می‌کند:

حضرت مجتبی - علیه‌السلام؟ - می‌فرماید: «شخصی خارج از مذهب اسلام به محضر رسول حق - صلی‌الله‌علیه‌وآله - آمد و از آن حضرت مسائلی پرسید؛ از جمله عرضه داشت مرا آگاه کن برای چه خاطر خداوند امر به وقوف به عرفات بوقت عصر فرموده؟ حضرت فرمود: عصر ساعتی است که آدم پروردگارش را عصیان کرد، بر ائمتّم واجب فرمود در عرفات وقوف کنند و در محبوبترین مکانها در نزدش به تضرّع و دعا برخیزند.

آن ساعتی که مردم از آنجا کوچ می‌کنند ساعتی است که آدم کلمات را از حق دریافت نمود و آراسته به مقام توبه شد و توبه او از جانب توّاب رحیم پذیرفته شد.

سپس پیامبر فرمود: قسم به آن که مرا به حق مبعوث به رسالت فرمود و بشیر و نذیر قرار داد، خداوند را در عالم ملکوت بابتی است که به آن گفته می‌شود: باب رحمت، باب توبه، باب حاجات، باب تفضل، باب احسان، باب جود، باب کرم و باب عفو. احدی در عرفات نمی‌آید مگر این که از جانب خداوند بوقت وقوف، مستحق همه این واقعیات می‌شود.

برای حضرت حق صد هزار فرشته است، با هر فرشته‌ای صد و بیست هزار فرشته است و برای خداوند رحمتی است که برای اهل عرفات به عرفات نشینان نازل می‌شود، چون از عرفات کوچ کنند خداوند فرشتگان خود را شاهد می‌گیرد به این که اهل عرفات از آتش جهنم آزادند، و حضرت حق بهشت را بر آنان واجب فرمود، و یک منادی ندا می‌دهد: بروید در حالی که آمرزیده شدید، مرا خوشنود کردید و من از شما خوشنودم!

شخص خارج از مذهب اسلام عرضه داشت: ای محمد، صادقانه سخن گفتی.»

حدیث

وقوف در مشعرالحرام

بوقت غروب آفتاب روز نهم، زائر بیت - به حکم حضرت حق در قرآن مجید - باید به طرف مشعر کوچ کند و شب دهم را، که مصادف با شب عید است، در مشعر بماند تا وقوف واجب مشعر را در وقتی که معین شده درک کند.

قرآن مجید مشعر را جایگاه ذکر و یاد حضرت حق می‌داند و به ذکر و یاد حق امر فرموده است.

آری باید به خالق مهربان، بخصوص در آن شب، توجه کرد و متذکر به ذکر قلبی و لسانی شد.

آن وجود مقدسی که انسان را به انواع نعمت‌های ظاهری و باطنی آراست و به او لیاقت انجام مناسک حج را عنایت فرمود.

آن وجود مبارکی که توفیق تصفیه مال و تزکیه اخلاق و پاکی عمل به انسان مرحمت فرمود و زمینه آمدن به حج را پس از تحقق آن واقعیات برای زائر فراهم آورد.

آن مهربانی که چراغ هدایت در قلب برافروخت، و پیوند دل را با توحید و رسالت و عدل و امامت و قیامت کبری محکم نمود.

آن منبع لطف و رحمت که عرصه آشنایی با قرآن و اهل بیت را برای زائر تحقق داد و بدینوسیله تمام درهای رحمت را به روی آدمی گشود.

زائر باید بوقت وقوف به مشعر، دل از مظاهر بردارد و گوشه‌ای خلوت برای خود بگزیند و در آن فرصت کوتاه از ذکر و عبادت و راز و نیاز غافل نماند، مبدا که با طلوع آفتاب جز حسرت و ندامت برای او نماند.

زائر با قرار گرفتن در مشعر و توجه به حضرت محبوب، و یاد و ذکر خدا، مستوجب اجر بزرگ می‌شود که روایت زیر به آن اشاره کرده:

عن سلیمان بن مهران قال: «قلت للصادق - علیه السلام - : کیف صار وطی المشعر علیه واجباً؟ قال: لیستوجب بذلك بحبوحة الجنة.»

سلیمان بن مهران گوید: «به حضرت صادق - علیه السلام - گفتم: چه شده که فرود آمدن به مشعر بر مکلف واجب گشت؟ فرمود: به آن سبب که مستوجب قرار گرفتن در وسط بهشت شود.»

(^۱) ۱ - بحار، ج ۹۶، ص ۲۶۷

حدیث

وقوف به منا

انسان جامع همه استعدادهاست. قوای روحانی و ملکوتی، در حدی که انسان را به عالی‌ترین مدارج کمال برساند، در انسان قرار داده شده، ظرف رسیدن به کمالات و حقایق همین دنیایی است که انسان در آن زندگی می‌کند و زندگی دنیا همراه با تبعاتی همانند جسم، غریزه، شهوت، خوردن و آشامیدن و پوشیدن و کسب و کار و تجارت و کوشش است.

رابطه انسان با این امور نباید بی‌حد و مرز باشد، اگر راه شکم و شهوت بدون مرز و حد باشد، انسان بتدریج محکوم این دو برنامه شده و از وجود او موجودی تبهکار و آلوده و ستمگر ساخته خواهد شد.

راه جلوگیری از بی‌حد و مرز شدن شکم و شهوت فقط و فقط عبادت است، آنهم عبادتی که وحی آن را نظام داده است.

بندگان واقعی حق، چراغ زندگی و گل گلستان حیات و گوهر گرانبهای صدف آفرینشند.

بنیایان راه فرموده‌اند: «بدان که مقصود اصلی از آفرینش انسان معرفت حق و رسیدن به عشق او و مأنوس شدن با حضرت اوست.»

رسیدن به این مقام، موقوف بر صفای نفس و تجرد آن از هوا و هوس است. هر اندازه که صفای نفس بیشتر و وارستگی آن شدیدتر باشد، انس و علاقه آن نسبت به خداوند متعال افزونتر خواهد بود.

بدیهی است که صفای نفس و تجرد آن، منوط است به پیراستگی از شهوات نفسانی و اجتناب از لذت‌های حرام و آرزوهای پست حیوانی و عدم تعلق قلب به مال و منال دنیوی؛ زیرا همه اینها - در صورتی که خارج از حدود شرع باشد - موانعی هستند که انسان را از معارف الهی و نفحات قدسی باز می‌دارند، و هیچ چیز روح انسانی را از نزدیک شدن به عالم قدس که از آن نزول یافته، مانع نمی‌شود مگر آنچه که بنام «مشتبهات نفسانی» نامیده شده، از قبیل غرائز حیوانی و ناستوده‌های اخلاقی و کردارهای شیطانی. و هم چنانکه ظرف تا هنگامی که از آب پر می‌باشد ورود هوا به داخل آن امکان ندارد، نفوس انسانی نیز تا خالی و وارسته از صفات و ملکات نکوهیده نباشد نور الهی چنانکه شایسته است قلوب آنان را روشن نخواهد نمود.

نفوس به هر نسبت که از این پلیدیها پاک شوند، انوار دانش بر دل آنها اشراق بیشتری یافته و بخشش‌های یزدانی بر آنها روی‌آور می‌شود. به عکس نفوسی که به غیر خدا اشتغال دارند، معرفت و شناسایی پروردگار و حلاوت و دوستی و انس با او در دل آنها جای نخواهد گرفت و بهر اندازه که تجرد نفس کمال یابد، ایمان و یقین بیشتر می‌شود و صفات عالی و فضائل کم نظیر و رفعت که نفس انسانی در آن مرحله از صفا و تجرد خواهان است، از عالم کمال الهی بر او فرود می‌آید.

بدین جهت عباداتی که به منزله نردبان ترقی و راه وصول به این کمال می‌باشد، تشریح شده است.

چه، پاره‌ای از آنها انفاق مال و بخشیدن آن است که باعث انقطاع انسان از آزمندی به دنیاست؛ مانند زکات و خمس و صدقات و این انقطاع همان علت غائی تشریح انفاق است که به اصطلاح دانشمندان به غرض از تشریح نامیده می‌شود، اگر چه بهره بردن پاره‌ای از مردم بر آن مترتب است.

بعضی از آنها خودداری و اجتناب از شهوات و لذات است؛ مانند روزه و پاره‌ای از آنها به منظور پرداختن دل به یاد خداوند متعال و توجه آن به سوی او توأم با حرکات خاص گوناگون جسمی است؛ مانند نماز. آثار کامل و شایسته‌ای که در نفس از مداومت و پیوستگی بر آن اعمال حاصل می‌شود ثابت و استوار خواهد بود. چه، همانا میان نفس و بدن ارتباطی است و فعل و انفعالات آنها در یکدیگر مؤثر واقع می‌شود.

مقصود از وضع و تشریح عبادات این است که انسان به آن وسیله، مدارج کمال را قدم بقدم پیموده و به صفات ملکوتی آراسته شود، آنچه مسلم است این است که صورت ظاهری هر عبادتی نقش و اثر مطلوبی در روح ایجاد کرده به موازات عبادات عضوی و اعمال جوارحی آثار بسیار نیکویی در تنویر و اصلاحات نفسی از خود بجای می‌گذارد. چنانکه حساً درک می‌کنیم که طهارت ظاهری در پاک‌ی و روشنی نفس تأثیر دارد؛ مثلاً هنگامی که به وضو می‌پردازیم و بوسیله این عمل به طهارت ظاهری آراسته شدیم، در خاتمه این عمل عبادی يك نوع حالت صفا و انبساط در روان خود احساس می‌کنیم که این حالت قبل از وضو در ما نبود و علت آن همانطور که اشاره شد راز بستگی میان روان و تن است.

حج این عمل عظیم الهی و عبادی، آنچه را که سایر عبادات در بر دارد شامل است، بعلاوه ریاضت‌های خاصی را نیز دارا می‌باشد که عبارتست از ترك وطن، رنج دادن به تن، گذشتن از مال، گسیختگی از آرزوها، تحمل مشقتها، تجدید پیمان، حاضر شدن در مشاعر و آگاهی بر شعائر.

و این همه، در سرزمین منا و اعمال مربوط به آن تجلی دارد، گرچه نفوس به حکمت و رموز بعضی از اعمال منا آشنایی ندارند، ولی باید به قصد انجام امر الهی انجام دهند که احکامی را که عقل انسان از درک حقیقت آن عاجز و به کینه معنا و اثراتی که بر آن مترتب است راه نمی‌یابد و طبیعت آدمی به آن انس ندارد؛ مانند انداختن هفت سنگ ریز به ستونی معین. پذیرفتن آن نیست مگر به جهت صدور فرمان و قصد امتثال از جهت این که فرمان و دستور است و اطاعت از آن واجب.

انجام این قبیل عبادات که در تزکیه نفوس و برگرداندن آنها از مقتضیات طبع و بدی و ستم و مایل گشتن نفوس به خداوند متعال و آراسته شدن به اخلاق حضرتش تأثیر کامل دارد، شایسته است برترین انواع عبادت باشد.

ندانستن حکمت و مصلحت خصوصیات خواسته شده در برخی از عبادات، از حیث کمیت و کیفیت، برای بعضی از مردم باعث تعجب و حیرت گشته و علت آن همانا ندانستن حقایق رازهای تعبدات و انوار مکنونه در مجاهدات است.

هر عملی که باید بقصد قربت انجام گیرد، هر اندازه که دور از تصرفات عقلی باشد، خصوصاً اگر انسی به آن عمل نباشد و کلفت و مشقتی نیز در بر داشته باشد؛ مانند رمی جمرات و سر تراشیدن در سرزمین منا و طول اقامت در آن محل. حصول مقام بندگی و تعبد به آن عالی‌تر و ارزنده‌تر است و به انجام اینگونه عبادات است که جان آدمی در برابر حضرت جانان قرار می‌گیرد و در دو جهان به راهی که پایدار است رهنمون می‌شود.

چه عالی و شیرین است که انسان در برابر صدور تمام فرامین مولا که سرچشمه در علم و عدل و حکمت او دارد، تسلیم باشد و در باطن خود نسبت به آن فرامین چون و چرایی نداشته باشد که چون و چرا کار متکبران و دوری از اجرای قوانین حق، راه مفسدان است.

در هر صورت وقوف به منا و انجام برنامه‌های حق در آن سرزمین، همراه با مشقت عظیمی که دارد، باعث آنچنان اجر و ثوابی

است که بر اساس معارف الهی گویا پس از اتمام کار و انجام اعمال وضع انسان همانند وقتی است که پاک و پاکیزه و بدون گناه از مادر متولد شده است!

روایت زیر به این معنا توجه می‌دهد:

عن الرضا -؟ علیه السلام -؟ قال: «قال ابو عبد الله -؟ علیه السلام -؟: اذا افاض الرجل عن منى وضع ملك يده بين كتفيه ثم قال له: استأنف.»

حضرت رضا -؟ علیه السلام -؟ فرمود: «حضرت صادق فرمودند: چون زائر از پس اتمام برنامه‌های منا کوچ کند، ملکی دستش را بین دو شانه او گذارد و به او گوید زندگی را از سر بگیر!»

(^۱) ۱ - بحار، ج ۹۶، ص ۲۷۲

حدیث

رمی جمرات

پرتاب هفت سنگ ریز به طرف سه جمره، به مدت سه روز در منا، هدایت به این معناست که در آن وادی الهی برای همیشه تمام شیاطین درونی و برونی و طاغوت‌های فاسد و مفسد را از عرصه‌گاه حیات خود و دیگران دور کن.

شناخت شیطان و جنود او در میدان حیات، و افسونگری‌های او و وسوسه‌هایش کار دشواری نیست. توجه به آیات قرآن مجید و دقت در روایات، راه شناخت این موجود خطرناک و لشکریان اوست که بصورت‌های گوناگون در مسیر اغوای انسان قرار دارند.

شیطان گاهی همان انسان فاسد و مفسد و لامذهبی است که برای ارضای شهوات و خواسته‌های خود به دنبال انسان‌هاست که برنامه‌های خود را با شگردهای گوناگونی که دارد و با وسایلی که از قبیل عناصر مادی در اختیار اوست تحمیل کند، تا انسانها از طرفی از خدا جدا شوند و از جانب دیگر حمال خواسته‌های او باشند و گاهی بصورت يك موجود نامرئی است که قدرت وسوسه کردن انسان را دارد و از این راه آدمی را دچار شقاوت و هلاکت می‌نماید.

قرآن مجید با بیان برنامه‌ها و خواسته‌های شیاطین انسی و جنّی، این موجودات موذی و فاسد و مفسد را به انسان شناسانده و آنها را دشمن آشکار انسان معرفی می‌نماید. قرآن می‌فرماید:

«بدنبال گام‌های شیطان حرکت نکنید که او نسبت به شما دشمن آشکاری است، او شما را به بدی و فحشا فرمان می‌دهد و این که نسبت به خداوند آنچه را علم ندارید بگویید.»

«او موجود خطرناکی است که بهنگام انفاق و صدقه و مال دادن در راه خدا شما را از فقر و تهیدستی می‌ترساند و به کار ناشایست فرمان می‌دهد.»

«بوقت مبارزه در راه خدا و جهاد فی سبیل الله و ایستادن در برابر دشمن، مریدان و دوستان خود را به وحشت می‌اندازد تا در مسیر حق قدمی برندارند، اگر اهل ایمان هستید از آنان نترسید، کوشش شما بر این باشد که خداترس باشید.»

«شیطان قصد و اراده‌اش این است که مردم را به گمراهی دراندازد، آنهم گمراهی بعید»؛^(۴) به این معنا که فاصله انسان را از خداوند آنچنان زیاد کند که برای او امید آشتی نماند.

۱^(۱) - بقره: ۱۹۶

۲^(۲) - بقره: ۳۶۸

۳^(۳) - آل عمران: ۱۷۵

۴ - نساء: ۶۰

«هر کس شیطان را بجای خدا دوست و کارساز خود گیرد، برآستی زبانی آشکار کرده است.»

«کسی که گامهای شیطان را پیروی کند، برایش معلوم باشد که او به تمام گناهان ظاهر و باطن امر می‌کند.»

«شیطان کارهای باطل را برای مردم جلوه داد تا آنان را از راه حق بازداشت، در حالی که نسبت به واقعیت بینا بودند.»

حضرت صادق - علیه‌السلام - فرمود: «گامهای شیطان عبارتند از: قسم خوردن برای جدایی، عهد و پیمان در انجام معاصی، قسم خوردن به غیر حق در اموری که قسم لازم نیست.»

و نیز آن حضرت فرمود: «ابلیس به لشکریان خود می‌گوید میان مردم ایجاد حسد و تجاوز کنید، که این دو گناه نزد خداوند مساوی با گناه شرك است.»

رسول خدا فرمود: «موسی بن عمران نشسته بود که ابلیس نزد او آمد، موسی به او گفت گناهی که سبب تسلط تو بر فرزند آدم می‌شود کدام است؟ جواب داد: خودپسندی، زیاد دیدن عمل خویش، کوچک آمدن گناه در نظر او.»

شیطان حضرت نوح را از دو خصلت بر حذر داشت؛ حسد و حرص

۱^(۱) - نساء: ۱۱۹

۲^(۲) - نور: ۲۱

۳^(۳) - عنكبوت: ۲۸

۴^(۴) - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۸۲

۵^(۵) - بحار، ج ۶۲، ص ۲۶۰

۶^(۶) - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹۳

و به او گفت در سه موقعیت به اغوای انسان بسیار نزدیکم: بوقت خشم، بوقت قضاوت بین دو انسان، بهنگام خلوت با زن نامحرم!

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که برنامه‌های خطرناک زیر از دام‌های شیطان و از فعالیت‌های او برای هلاک‌کردن انسان و دور نمودن او از خداوند مهربان است:

دعوت به زشتی

امر به فحشاء

گفتار ناهنجار نسبت به حق

ترساندن از تنگدستی به وقت انفاق

ترساندن از مبارزه و جهاد و قیامت علیه ستمگران

ایجاد گمراهی بعید

ایجاد زیان و خسارت آشکار

دعوت به گناهان ظاهر و باطن

جلوه دادن به کارهای زشت

زمینه‌سازی برای طلاق بی‌علت

ایجاد تعهد و پیمان برای معاصی

قسم به غیر حق

ایجاد حسد و تجاوز

برافروختن شعله حرص

(^۱) ۱ - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹۴

ایجاد خشم و غضب

زمینه‌سازی برای خلوت با نامحرم

زائر بهنگام رمی جمرات باید توجه عمیق به حقیقت رمی کند و رمی را بخاطر رمی شیطان و برنامه‌های او از عرصه‌گاه حیات انجام دهد، آنچنان رمی و سنگ انداختنی که پس از اتمام آن در روز دوازدهم خود را از بند شیطان و زندان ابلیس رها ببیند و آن مجسمه لعنت را که حتی بوقت رمی هم در کنار انسان جهت گمراه کردن حاضر است برای ابد از خود دور سازد.

اگر با چنین نیت و توجهی رمی کند، بدون شك به آن آزادی حقیقی که از اعظم نعم الهی است خواهد رسید.

روایت زیر نشانگر این مفهوم عرشی و ملکوتی است:

عن ابی عبد الله - علیه السلام - فی رمی الجمار قال: «له بكلّ حصة یرمی بها تحط عنه کبیره موبقة.»

از امام صادق - علیه السلام - است در مسأله رمی جمرات که آن حضرت فرمود: «به هر سنگ‌ریزه‌ای که زائر به سوی جمره پرتاب می‌کند، گناه بزرگی هلاک‌کننده‌ای از دوش جانش فرو می‌ریزد.»

(^۱) ۱ - بخار، ج ۹۶، ص ۲۷۲

حدیث

قربانی

کتاب خدا در سوره مبارک حج، برای مسأله قربانی لطائف شگفت‌آوری بیان فرموده، به گوشه‌ای از آن دقائق و حقایق عنایت کنید:

«این است احکام و مراسم و مناسک حج و هر که شعائر خدا را - که در این مراسم تجلی دارد - بزرگ شمرد، همانا این بزرگداشت شعائر حق، از تقوای قلب است.

شما را در چهار پایان تا رسیدن زمان قربانی سودهاست، سپس وقت قربانی آنها هنگام رسیدن به بیت عتیق است.

برای هر امتی آیین و مراسم عبادتی در قربانی کردن قرار دادیم تا نام خدای یگانه را بر ذبح آنچه از چهار پایان روزیشان نموده یاد کنند، خدای شما یکتاست، سپس تسلیم او شوید و فروتنان پاکدل را مزده بده؛ فروتنان پاکدل آناند که چون یاد خدا شود و دلهاشان از عظمت دوست بترسد و بر مصائبی که به آنان رسد شکیا باشند و نماز بپا دارند و از آنچه روزی آنان نمودیم انفاق می‌کنند.

قربانی را برای شما از نشانه‌های عبادت خدا قرار دادیم، شما را در آن خیر و ثواب است، پس نام خدا را بر آنها در حالی که ایستاده‌اند یاد کنید و چون پهلویشان بر زمین افتد و قربانی شوند از آنها بخورید و به نیازمند بینوای خواهنده بخورانید، این حیوانات را اینچنین برای شما رام کردیم باشد که سپاس حق بجای آرید.

توجه داشته باشید که گوشت و خون قربانیها هرگز به خدا نمی‌رسد، لیکن پرهیزکاری و تقوای شما به حریم قدس او راه پیدا می‌کند، بدین گونه چهارپایان را رام شما کرده، تا خدای را به پاس آن که شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید و نیکوکاران را مزده بده.»

آنچه از آیات سوره مبارکه حج در باب قربانی استفاده می‌شود این است که:

قربانی از شعائر الهی و نشانه عبادت حق است.

قربانی بخاطر ایجاد یاد خدا در قلب و بر زبان است.

قربانی برای ایجاد حالت تسلیم در قلب عبد نسبت به مولاست.

نشانه‌های اهل تسلیم ۴ چیز است:

۱ - ترس در قلب از توجه به عظمت حضرت حق.

۲ - صبر بر مشکلات و سختی‌ها؛ بخصوص در انجام مناسک حج.

۳ - اقامه نماز.

۴ - پرداخت آنچه روزی شده در راه حق.

قربانی روزی حلال خدا است.

قربانی برای خوردن و خوراندن به مستحق شرعی است.

قربانی حیوانی رام است که رام بودن آن نعمت حق بر انسان و قابل شکر و سپاس است.

گوشت و خون قربانی ارزش رسیدن به حریم قرب حق را ندارد، آنچه به آن حریم ملکوتی می‌رسد تقوای قربانی کننده است که قربانی بعنوان عبادت از نشانه‌های تقواست.

قربانی بردن به پیشگاه حق در سرزمین منا، از اخلاق محسنین است و خلاصه در مسأله قربانی، آنچه مهم است بریدن گلوئی هوای نفس و شهوات و خواسته‌های نامشروع است تا میدان تجلی تقوای الهی در پهنه حیات و زندگی باز شود و زائر به حریم قدس دوست تا مرحله لقاء و وصال سفر کند و قربانی او در سرزمین منا بهای آزادی وی از آتش جهنم شود، در این زمینه به روایت بسیار مهم زیر توجه کنید:

عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: «قال علي بن الحسين - عليه السلام - في حديث له: اذا ذبح الحاج كان فداء من النار.»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: «در گفتاری از حضرت علی بن الحسین - عليه السلام - است: چون حاجی در وادی منا قربانی کند، قربانی او بهای آزادی وی از آتش قیامت است!»

(^۱) - محاسن برقی، ص ۶۷

حدیث

حلق رأس

آنان که سر از بندگی حق می‌پيچند، و در مسأله عبادت و اطاعت از مولا دچار کبر و خود بزرگ بینی می‌شوند و روی عبادت به خاک درگاه دوست نمی‌گذارند، نعمت می‌خورند و کفران نعمت می‌کنند، دل به حق نمی‌دهند، و رو به جانب حضرت او نمی‌آورند، از زحمات انبیا و امامان و اولیا قدردانی نمی‌نمایند و خود را از تجلی آیات قرآن بر قلوبشان محروم می‌کنند، با حضرت محبوب صفا نمی‌نمایند و برای شستشو به خرابات عشق حق قدم نمی‌گذارند، باید بدانند که بتدریج دنیای باطن و عرصه‌گاه غیب وجودشان دچار تاریکی می‌شود و این تاریکی و چرک باطن، هر لحظه افزوده می‌گردد تا جایی که به انکار تمام حقایق برخیزند و به بی‌نهایت پستی و ذلت درون برسند و از این طریق قیامت خود را نیز به تاریکی و ظلمات دچار کنند، ظلماتی که از پس آن حسرتی سنگین بر دل نشیند، حسرتی که برای آن علاجی نخواهد بود.

ولی اهل معرفت و آراستگان به عرفان حق، و اهل ریاضت و تسلیم، و عاشقان عبادت و بندگی، در هر لحظه نور باطن بیفزایند، و بر یقین و ایمان خود نسبت به حقایق اضافه کنند و از این طریق روشنایی و نور قیامت خود را تأمین نمایند که در عبادت و اطاعت، و بندگی و تقوا، و خوف و خشیت، و جود و

سخاوت، و کرم و حسن خلق، نور محبوب در تجلی است و این نور بطور دائم برای انسان میماند و در تمام عرصات به اذن حضرت محبوب به فریاد انسان می‌رسد.

از جمله اعمالی که منبع ایجاد نور و نورانیت در دنیا و آخرت است حلق رأس در سرزمین منا است.

در این زمینه روایت عجیبی از حضرت رضا -علیه‌السلام- رسیده که متن آن این است:

«... ثُمَّ أَحْلِقُ شَعْرَكَ فَإِذَا أُرِدْتُ أَنْ تَحْلِقَ رَأْسَكَ فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَابْدَأْ بِالنَّاصِيَةِ وَاحْلِقْ مِنَ الْعَظْمَيْنِ النَّابِتَيْنِ بِحِذَاءِ الْأَذْنَيْنِ وَقُلْ: اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَادْفِنِ شَعْرَكَ يَمِينِي.»

«... سپس موی خود را حلق کن، چون خواستی حلق رأس کنی، روبروی قبله قرار بگیر و از پیشانی شروع کن و از جانب دو استخوان روپیده شده روبروی دو گوش حلق کن و بهنگام این مسأله عبادی بگو: خداوندا به هر موی من نوری در قیامت عطا کن، سپس موی حلق شده را در سرزمین منا دفن کن.»

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۲۰۴

ابوبصیر در روایتی نقل می‌کند: مویی از سر حلق نمی‌شود مگر این که خداوند مهربان بخاطر آن نوری در قیامت برای زائر قرار می‌دهد و آنچه انفاق کند در پرونده‌اش ثبت می‌شود و چون به مکه برای حج تمتع رود و اعمالش را انجام دهد و به منا برگردد، در پاکی مانند کسی می‌شود که تازه از مادر به دنیا آمده است.»

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۲۱۵

حدیث

حج و امامت و رهبری

هدف از عبادت و بندگی، نظم و ادب و اخلاق و متانت و پاکی و طهارت ظاهر و باطن و احسان و ایثار و صدق و کرامت و آرامش و امنیت و رشد و کمال در دنیا و فوز عظیم و رضوان و جنت و رضا و خوشنودی حق و لقا و وصال محبوب در جهان آخرت است.

عبادت و بندگی در صورتی این ثمرات عظیم و میوه‌های شیرین و منافع معنوی را بیار می‌آورد که مسائل مربوط به آن و آداب ظاهری و باطنیش از رهبران و امامان تعیین شده از جانب حق اخذ شود؛ به عبارت دیگر، از همان صراط مستقیمی که قرآن مجید بر آن اصرار دارد باید سالک عبادت عبور کند تا به

نتایج شیرین بندگی دست یابد و؟ صراط مستقیم جز آیات قرآن و مفسران حقیقی آن، که رسول خدا و؟ دوازده امام معصومند، واقعیت دیگر نیست.

مشخصه واقعی و امتیاز حقیقی مؤمن، به قبول ولایت و پذیرش کارگردانی ائمه طاهرين و اهلیت طیبین نبی اکرم است.

ولایت بنا بقول عارفان عاشق و دانشمندان صادق و بینایان واقف، چنانکه طریحی در مجمع البحرین آورده، عبارت است از:

عشق ورزی به اهلیت و متابعت از آنان در دین و قبول اوامر و؟ نواهی آن بزرگواران در عرصه عمل و اقتدای به آنان در اخلاق و؟ کردار.

حج ابراهیمی و به عبارت دیگر اهل بیتی، حجی است که هدایتگر عالمیان و قیام للناس و کفر ستیزی و برائت از مشرکان است و حج اموی و عباسی، حج فردی و حج سکوت و حج بی؟ معنا و در يك کلمه انجام آدابی خشك و ناقص و حرکاتی خارج از چهارچوب قرآن و؟ سنت و خلاصه، سلسله اعمالی بی؟ روح است که روح دشمن و روح طاغوت و طاغوتیان و روح کفار و مشرکان از انجام آن شاد و خشنود است؛ چرا که در حج اموی و عباسی هیچ منفعتی متوجه زائر و هیچ ضرری متوجه دشمن نیست.

حجی که به قول حضرت صادق -؟ علیه؟ السلام-؟ ناله و فریادش بسیار، ولی حاجی واقعیش فوق العاده اندک است، حج نیست.

حج، سازمان ملل اسلامی است. حج دواى درد ملت؟ های مسلمان است. حج حلال مشکلات امت است. حج وسیله اتحاد جمعیت؟ های سرزمین؟ های مختلف است. حج شفای دردهاست. حج عامل شناخت جوامع مسلمان از یکدیگر است. حج وسیله رأفت و رحمت و کرامت و سربلندی است ولی این همه، در سایه رهبری و امامت صحیح قابل تحقق است.

مناسك، بدون رهبری و ولایت تعیین شده از جانب حق، به قول حضرت باقر -؟ علیه؟ السلام-؟ انجام اعمالی چند به دور مقداری سنگ است.

دستی که در انجام مناسك در دست اهل بیت پیامبر نیست، در دست رحمت خدا قرار نمی؟ گیرد. حاجیان بزرگواری که در حدود يك ماه در این سفر الهی بسر می؟ برند، فرصت مناسبی در اختیار دارند تا توسط دانشمندانی که با کاروانها هستند، بیش از پیش با موقف و؟ موقعیت اهل بیت و امامان معصوم آشنا شوند و ولایت خود را کامل کنند و نسبت به آن بزرگواران تا سر حدّ ایثار جان و مال در کنار بیت حق تعهد کرده و عهد و پیمان ببندند.

در این زمینه به روایت بسیار مهمّی که از قلب عرشی معصوم در کتب روایی روایت شده توجه کنید:

عن زرارة عن أبي جعفر -عليه السلام- قال: «انما أمر الناس أن يأتوا هذه الأحجار فيطوفوا بها ثم يأتونا فيخبرونا بولايتهم و يعرضوا علينا نصرهم.»

زراره که از معتبرترین راویان مکتب اهل بیت و مورد اعتماد و اطمینان امامان شیعه می باشد از حضرت باقر -عليه السلام- روایت می کند: «همانا مردم دستور دارند به سوی این سنگ ها بیایند، سپس به دور آنها طواف کنند آنگاه به پیشگاه ما آمده از ولایت خودشان نسبت به ما خیر دهند و نصرت و یاری خود را در تمام زمینه ها به ما عرضه کنند!»

(۱) - عیون الاخبار، ج ۲، ص ۳۶۲

(۲) - بحار، ج ۹۶، ص ۲۷۴

حدیث

مدینه طیبه

زائر چون وارد مدینه شود، با دیدن آن شهر باید بیاد آورد: اینجا جایی است که خدای مهربان برای پیامبرش اختیار کرد، شهری است که نبی اکرم -صلی الله علیه و آله- به دستور حق آن شهر را بعد از هجرت بعنوان «مرکز پخش اسلام ناب» انتخاب فرمود، شهری است که زمینه سعادت دنیا و آخرت مردم در آنجا فراهم آمد.

مدینه مرکزی است که پیامبر بزرگ اسلام با تحمل انواع شدائد و سختی ها، پیام الهی را به مردم ابلاغ کرد.

مدینه جایی است که برای اعلام اسلام، از طرف دشمنان خدا نزدیک به هشتاد جنگ به مسلمانان صدر اول تحمیل شد، ولی آنان در سایه رهبری رسول خدا -صلی الله علیه و آله- در برابر آنهمه جنگ در طول دهسال، مقاومت کردند تا چرخ مکتب الهی به حرکت آمد، جنگ هایی که مردم دور از انصاف برای متلاشی کردن حقیقت آغاز کردند و پیامبر عزیز و مردم مؤمن در مرحله دفاع از حق، شهدا و مجروحین زیادی تقدیم راه خدا نمودند.

رسول حق و یارانش در مدینه برای تأمین خیر دنیا و آخرت مردم چه اندازه زحمت کشیدند و سختی دیدند؟!

مدینه جایی است که برای اعلاای کلمه حق، پیران و جوانان و مردان و زنانی در خون خود غلتیدند.

مدینه شهری است که سالها شاهد عالی ترین خدمات صادقانه از جانب اهل بیت و یارانشان نسبت به اسلام ناب بود.

در آنجا مظهر عصمت و عفت؛ یعنی فاطمه اطهر، با پوششی کامل و حجابی جامع، که دستور خداوند است، به مسجد آمد و برای اقامه حق و بپا شدن عدل، داد سخن داد.

زهرای مرضیه از آن شهر به تمام زنان جهان، بخصوص زنان مسلمان، درس عفت و عصمت و پوشش و حجاب و دور بودن از دسترس نامحرمان را داد.

تو ای زائر محترم، در این شهر بزرگ در برابر پیامبر و ائمه بقیع و؟ حضرت زهرا و شهدا قرار داری، خود را در تمام شؤون، با آن بزرگواران بسنج و در وضع خود بیش از پیش دقت کن.

در آن شهر حرم رسول خدا و حرم امامان مظلوم و حرم فاطمه زهرا و حرم شهدای احد و قبور اولیای حق در بقیع وجود دارد، فرصت اندک خود را غنیمت بدان و تا بتوانی در آن شهر به عبادت و؟ روزه و قرائت قرآن مداومت کن، بخصوص واقعیاتی که در روایت زیر است فوق العاده مورد توجه قرار ده تا به بهره عظیم و منفعت سنگین برسی.

«انّ بین قبر النبی -صلی الله علیه و آله- و بین المنبر، روضة من ریاض الجنة، أنه من عبد الله بین القبر و المنبر و عرف حق رسول الله - صلی الله علیه و آله و اهل بینه - و تبراً من أعدائهم فله عند الله عزّ وجلّ روضة من ریاض الجنة، و لا یكون له ذلك فی غیر ذلك الموضع.»

«میان قبر رسول خدا و منبر، باغی از باغهای بهشت است. کسی که بین قبر و منبر به عبادت خدا برخیزد و حق پیامبر و اهل بیتش را بشناسد و از دشمنان آنان بیزاری قلبی و عملی جوید، در نزد خدا باغی از باغهای بهشت از آن اوست و این چنین نصیبی در غیر این محل برای انسان نیست.»

عرفان به حق نبی اکرم و اهل بیتش به این است که آن حضرت را فرستاده خدا بداند و اهل بیت را امامان انتخاب شده از جانب حق برای هدایت مردم تا روز قیامت به حساب آورد و آن بزرگواران را در تمام شؤون زندگی مادی و معنوی واجب اطاعه بداند و خود را تسلیم آنان نموده به فرهنگ سعادتبخش آنان گردن نهد و اوامر آنان را عمل و؟ از آنچه نهی کرده؟ اند بپرهیزد.

(^۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۲۸۲

حدیث

مشاهد مشرفه در مدینه طیبه

عن جعفر بن محمد - علیهما السلام - أنّه قال: «و من المشاهد فی المدینة التي ینبغی ان یؤتی الیها و تشاهد و یصلی فیها و یتعاهد، مسجد فُبا وهو المسجد الذی أُسِّسَ علی التَّقوی. و مسجد الفتح و مسجد الغضیخ و؟ مشربة أمّ ابراهیم و قبر حمزة و قبور الشهداء.»

حضرت صادق -علیه السلام- فرمودند: «از مشاهدی که در مدینه سزاوار است به سوی آن بروند و مشاهده کنند و در آن نماز بجای آورند و با خدای خویش عهد و پیمان بندگی ببندند مسجد قباست، مسجدی که بر اساس تقوا بنا شده، و مسجد فتح و مسجد فضیح و مشربه ام ابراهیم و قبر حمزه و قبور شهدا است.»

(^۱) ۱ - دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۶

حدیث

زیارت رسول خدا

شهید بزرگوار که از علمای بزرگ شیعه و صاحب تألیفات ارزشمند است، در کتاب دروس برای زیارت آدابی ذکر کرده؛ از جمله:

- ۱ - غسل و رفتن به زیارت پس از غسل با حال خضوع و خشوع و لباس پاکیزه.
- ۲ - ایستادن کنار در حرم و خواندن دعا و طلب اذن از صاحب قبر با خشوع و رقت قلب و قدم گذاردن در حرم با پای راست و خروج از آن با پای چپ.
- ۳ - زیارت در کنار قبر یا نزدیک قبر یا چسبیده به قبر یا تکیه بر ضریح و بوسیدن آن به احترام صاحب قبر.
- ۴ - زیارت خواندن رو بروی چهره صاحب قبر و دعا با حالت زاری و گریه و گدایی از خداوند با قسم دادن به حضرت حق به حق حضرتش و حق صاحب قبر و این که خداوند او را مورد شفاعت صاحب قبر قرار دهد.
- ۵ - زیارت خواندن، به همان زیارتی که از جانب معصوم در کتب معتبره روایت شده.
- ۶ - دو رکعت نماز پس از اتمام زیارت.
- ۷ - دعا بعد از نماز برای امور دین و دنیا و برای همگان تا به استجابت نزدیک باشد.
- ۸ - تلاوت قرآن مجید در کنار قبر.
- ۹ - حضور قلب در حرم مطهر در جمیع حالات تا جایی که امکان دارد و توبه از گناه و طلب مغفرت از حضرت محبوب.
- ۱۰ - صدقه دادن به آنان که دست اندر کار مشاهد مشرفه؟ اند، در صورتی که اهل خیر و صلاح و دین و مروّتند و دارای صبر و کظم غیظ؟ اند و به حوائج زائر رسیدگی می؟ کنند و به غریب و گم شده توجه دارند که لطف به آنان در حقیقت لطف به صاحب قبر است.

۱۱ - تکرار زیارت.

۱۲ - بعد از هر زیارتی، زائر بهتر از زیارت قبل، در اخلاق و اعمال، باشد؛ چرا که زیارت باید بار سنگین مفاسد روحی و عملی را از دوش زائر بریزد و گرنه زیارت او زیارت نیست.

۱۳ - تعجیل در خروج پس از زیارت، بخصوص وقت ادای نیاز و؟ احتیاج.

۱۴ - صدقه دادن به فقرا و مساکین و محتاجان مقیم بقعه معصوم، که صدقه در این موارد ثوابش چند برابر مراکز دیگر است.

۱۵ - رعایت تقیه در مواردی که تقیه از واجبات آیین اهل بیت

است.

چون این شرایط حاصل شد به قصد زیارت رسول خدا به روضه مطهره داخل شو که زیارت رسول حق در مدینه طیبه علت کمال حج است.

عن الصادق -؟ علیه؟ السلام -؟ قال: «إذا حجّ أحدكم فليختم حجّه بزيارتنا لأنّ ذلك من تمام الحج.»

امام ششم -؟ علیه؟ السلام -؟ فرمود: «زمانی که یکی از شما حج بجای آورد، حج خود را به زیارت ما در مدینه ختم کند که زیارت ما (رسول خدا، زهرا، مرضیه، و چهار امام مدفون در بقیع) از تمام بودن حج است.

و آن حضرت در باب زیارت رسول خدا -؟ صلی الله علیه و آله -؟ از خود رسول حق روایت می؟ کند که آن حضرت فرمود: «هر کس مرا در زنده بودن و پس از مرگ زیارت کند، در قیامت شفیع او خواهم بود.»

(۱) ۱ و ۲ - بحار، ج ۹۷، ص ۱۲۹

(۲) حدیث

نماز در مسجدالنبی - ص -

قال ابو عبد الله -؟ علیه؟ السلام -؟ : «صلاة فی مسجد النبى -؟ صلی الله علیه و آله -؟ تعدل عشرة آلاف صلاة.»

امام صادق -؟ علیه؟ السلام -؟ فرمود: «یک نماز در مسجد پیامبر برابر ده هزار نماز است.»

چه نیکو است زائر فرصت اندک خود را در مدینه که ممکن است تا آخر عمر چنان فرصتی نصیبش نشود، صرف نماز در مسجد رسول حق و دعا و قرآن و زیارت کند تا پس از مرگ دچار حسرت و اندوه نگردد، حسرت و اندوهی که جای جبران ندارد.

۱^(۱) - بحار، ج ۹۶، ص ۲۸۲

حدیث

زیارت فاطمه - سلام الله علیها -

عن جعفر بن محمد الصادق عن آبائه - علیهما السلام - قال: «من زال قبر الطاهرة فاطمة ... ثم استغفر الله، غفر الله له و أدخله الجنة.»

امام صادق علیهما السلام از پدران بزرگوارش روایت می‌کند: «هر کس قبر فاطمه طاهره را به زیارتی که از ما رسیده زیارت کند، سپس از خداوند طلب مغفرت نماید، خداوند او را مورد غفران قرار می‌دهد و در قیامت وارد بهشت گرداند.»

زیارت رسیده از امامان بزرگوار، در مفتاح الجنان و کامل الزیارات و اقبال و بحار (ج ۹۷) ذکر شده است.

۱^(۱) - بحار، ج ۹۷، ص ۱۹۹

حدیث

ثواب عهدهدار امور زائر در نبود زائر

قال علی بن الحسین - علیهما السلام - : «من خلف حاجاً فی أهله و ماله کان له كأجره حتی كأنه یستلم الأحجار.»

حضرت سجاد علیهما السلام فرمود: «آن که در وطن، در نبود زائر، عهدهدار امور خانوادگی و مالی حاجی شود، اجرش مانند اجر حاجی است، و حتی مانند این است که خود او به زیارت رفته باشد.»

۱^(۱) - محاسن برقی، ص ۷۰؛ بحار، ج ۹۶، ص ۲۸۷